



جزئیات تازه از آتش سوزی گمرک اسلام قلعه؛ دولت علیه عاملان دعوا باز می کند



بررسی‌های هیأت حقیقت‌یاب حکومت از آتش‌سوزی گمرک اسلام قلعه هرات نشان می‌دهد که این آتش‌سوزی به دلیل غفلت وظیفه‌ای کارمندان گمرک، تصدی محافظت عامه و شرکت تی‌سی‌آرسی (TCRC) رخ داده است. هیأت حقیقت‌یاب حکومت می‌گوید که در این حادثه علاوه بر این نهادها، خود تاجران نیز دخیل‌اند. به گفته این هیأت، برخی از تاجران مواد نفتی را به عنوان پرتزجات و سایر کالای‌های تجاری محصول کرده‌اند، از این رو در آتش‌سوزی اسلام قلعه آن‌ها نیز متخلف‌اند. هیأت حقیقت‌یاب حکومت می‌گوید که آنان متخلفان آتش‌سوزی گمرک اسلام قلعه را به نهادهای عدلی و قضایی معرفی کرده‌اند. بررسی‌های این هیأت نشان می‌دهد که در این آتش‌سوزی نزدیک به یک هزار و ۲۵۰ متر سوخته و بیش از ۳۳ میلیون دالر به مالکان موترها خسارت وارد شده است. هیأت حقیقت‌یاب می‌افزاید که حکومت حدود ۸ میلیون دالر را برای دل‌جویی از موترداران در نظر گرفته و قرار است...



برگشت هیأت دولت به دوحه؛

نیت طرف‌های مذاکرات صلح در بوته آزمون

سخنرانی غنی در دانشگاه کابل؛ خلق امید کاذب

در آستانه بازگشت به میز گفت‌وگو؛ چرا باید روش مذاکره دولت و طالبان تغییر کند؟

دولت برای ازسرگیری مذاکرات صلح با گروه طالبان، هیأت خود را به دوحه می‌فرستد. قرار است بخشی از اعضای این هیأت امروز و بخش دیگر آن در روزهای آینده رهسپار دوحه شوند. تا هنوز زمان دقیق ازسرگیری مذاکرات بین دو طرف اعلام نشده است. گروه طالبان قبلاً در روزهای عید تمایل خود به ازسرگیری مذاکرات با دولت را اعلام کرده بود.



سفرنامه اوزبیکستان؛ شبهای دل‌انگیز بخارا



کرزی: حکومت و طالبان در بامیان مذاکره کنند، هوای گوارایش نیز به ایرکندیش ندارد

به گفته او، پس از تأمین صلح افغانستان می‌تواند که با عزم و استقلال با همسایه‌گان و جهان گفت‌وگو کند. رئیس‌جمهور پیشین به تجربه‌های مذاکرات صلح از جمله به جنگ جهانی اشاره کرد و تذکر داد که جنگ‌هایی با ابعاد بزرگ مانند جنگ جهانی طی مذاکرات فشرده و در زمان کوتاه پایان یافته است و مذاکرات صلح افغانستان نیز باید در ظرف یک ماه و یا کم‌تر از آن نتیجه دهد. در این نشست سایر سخنرانان نیز بر ضرورت «ملی‌شدن» روند صلح تأکید کردند.

خود و در خاک خود بسازیم. خدا کند تحریک طالبان و حکومت ما بگویند بیا برویم به بامیان. هم هتل‌های خویش داریم و هم هوای مقبول دارد و حاجت به ایرکندیش نیست. حامد کرزی از ولایت‌های دیگر نیز نام برد و گفت که می‌تواند این ولایت‌ها محل مذاکرات باشد. او از همه طرف‌ها خواست که روند صلح را «ملی» و پروژه بیگانه‌گان را به یک روند افغانی تبدیل کنند. کرزی تصریح کرد، در صورتی که روند صلح از صورت پروژه‌ای به روند ملی تبدیل شود مذاکرات به زودترین فرصت نتیجه خواهد داد.



شده بود، سخنرانی می‌کرد. حامد کرزی می‌گوید که مردم افغانستان در مقابل هم «قرار داده» شده‌اند و باید هرچه زودتر مذاکرات صلح به نتیجه برسد. او گفت: «صلح را به پروسه ملی تبدیل کنیم. از

۸ صبح، کابل: حامد کرزی، رئیس‌جمهور پیشین کشور، می‌گوید که مذاکرات صلح به این دلیل تاکنون نتیجه نداده است که «صلح» یک پروژه خارجی بوده است و یا هم از نام صلح به عنوان «پروژه» استفاده شده است. رئیس‌جمهور پیشین کشور از دولت و طالبان خواست که مذاکرات صلح را از حالت «پروژه‌ای» خارج کنند و آن را به یک پروسه ملی و افغانی تبدیل کنند تا زودتر به نتیجه برسند. او روز دوشنبه، دهم جوزا، در نشست زیر نام «هم اندیشی صلح کابل» که از سوی حزب ملت برگزار

فروش زمین

یک قطعه زمین به مساحت { ۹۰۸۰ مترمربع } واقع قرغه { ناحیه ۵ ، کابل - افغانستان } به قیمت مناسب به فروش رسانیده می‌شود. ضرورت‌مندان و اشخاصی که خواهان خریداری آن باشد به شماره تلفون‌های ذیل تماس گرفته معلومات اخذ نمایند.

+93 (0)797888154 / +93 (0)798888802



پرواز های کابل استانبول و برعکس آن هر هفته به روز های جمعه

قیمت تکت رفت
190 USD



رنگین دادفر اسپنتا: با ادبیات تسلیم و تضرع نمی‌شود به صلح رسید



اسپنتا می‌گوید که درخواست قطع جنگ از سوی نیروهای امنیتی که از مردم دفاع می‌کنند، درست نیست. به گفته او، جنگ در افغانستان بر مردم تحمیل شده است.

او تأکید کرد که صف جمهوریت باید یک دست و متحد شود تا بتواند پیام واحد را از جانب مردم ارائه کند و به این ترتیب محتوا و شکل مذاکرات را تعیین کند.

رنگین دادفر اسپنتا در این نشست از روند صلح افغانستان انتقاد کرد و گفت که مذاکرات امریکا با طالبان به «غلط» به روند صلح معروف شد که روند «ناقص و مصدوم» بود.

او رهبران دولت و سیاسیون را مورد انتقاد قرار داد که به طرح امریکا خوش‌بین بودند و به جای اعتراض به این برنامه سیاست تسلیم‌پذیری را پیشه کردند.

اسپنتا می‌گوید که رهبری دولت افغانستان با سیاست‌های اشتباه‌آمیز سبب جدایی مردم و حکومت شده است. به گفته او، افتراق قومی، گرایش‌های افراطی و انحصار در اعمال قدرت، سبب محصور و محدود شدن قدرت شده است. او توضیح داد که در این حالت نهادها کارایی خود را از دست می‌دهد و حکومت از ارائه خدمات عامه عاجز می‌ماند.

به گفته اسپنتا، تبلیغ روایت دولت و طالبان در این شرایط مورد قبول مردم قرار نمی‌گیرد و در بهترین حالت مردم بی‌تفاوتی اختیار می‌کنند که برای جمهوری ویران‌گر است.

اسپنتا گفت که مردم قدرت خود را در حکومت نمی‌بینند و هر روز اقتدار، غیررسمی، غیر دولتی و خصوصی‌سازی می‌شود، اما قربانی‌ها تعمیم می‌شود.

در این نشست سایر سخنرانان نیز درباره روند صلح صحبت کردند. این نشست از سوی حزب ملت افغانستان تنظیم و برنامه‌ریزی شده بود.

۸ صبح، کابل: رنگین دادفر اسپنتا، وزیر اسبق خارجه کشور، می‌گوید که به تغییر ادبیات «صلح و جنگ» در شرایط کنونی نیاز است و با ادبیات تسلیم و تضرع صلح تأمین نمی‌شود.

اسپنتا که روز دوشنبه، دهم جوزا، در نشست زیر نام «هم‌اندیشی صلح کابل» صحبت می‌کرد، تأکید کرد که تجربه‌های صلح طلبی و توافق‌های صلح در جهان نشان می‌دهد که با ادبیات «تسلیم و تضرع» نمی‌شود به صلح رسید.

رنگین دادفر اسپنتا افزود که هر نوع مداراجویی در این شرایط آغاز تسلیمی است و اشاعه ادبیات تسلیم، خطرناک، روحیه‌شکن و آغاز پایان دولت جمهوری است.

به گفته او، در حال حاضر تغییر گفتمان غالب صلح و جنگ به طالبان سپرده شده است و حکومت انفعالی عمل می‌کند و موضع منفعل داشتن، ادبیات و موضع یک گروه در حال عقب‌نشینی و فراری است. او افزود که در چنین حالتی نمی‌شود به جز «اوراد تسلیم» سرود دیگری را زمرمه کرد.

مشاور اسبق امنیت ملی تأکید کرد که طالبان با بیان این که با حکومت مذاکره نمی‌کنند، در حقیقت دست‌آوردهای ۲۰ ساله کشور را نفی می‌کنند. به گفته او، طالبان جنگ‌جویان خود را برای محافظت پایگاه‌های به اصطلاح خودشان «سلیبون» فرستاده‌اند، اما نیروهای امنیتی را قتل عام می‌کنند.

رنگین دادفر اسپنتا تصریح کرد که این نوع سیاست به معنای غیررسمی‌سازی و دولت‌زدایی حقوقی و سیاسی است که تمام دست‌آوردهای مردم افغانستان را زیر سوال می‌برد.

او گفت، وقتی که روی موانع صلح صحبت می‌شود، باید به صراحت اعلام کرد که گروه‌های جنگ‌افروز و کسانی که نیروهای امنیتی را می‌کشند، مانع اصلی صلح هستند.

رحمانی از پارلمان پاکستان خواست حکومت این کشور را برای وادار کردن طالبان به صلح تحت فشار قرار دهد



۸ صبح، کابل: میررحمان رحمانی، رییس مجلس نماینده‌گان، در حاشیه نشست اقتصادی «پیکو» در رشد تجارت، اقتصاد و ثبات منطقه و ایجاد سهولت صدور ویزای پاکستان برای متقاضیان افغان از دیگر محورهای گفت‌وگوی دو طرف بوده است.

رحمانی گفته است که افغانستان مکان مناسب برای سرمایه‌گذاری و تجارت است و جایگاه چهارراه برای کشورهای همسایه و منطقه را دارد. به گفته رحمانی، کشورهای همسایه، منطقه و عضو پیکو می‌توانند از افغانستان برای رونق تجارت و پیش‌رفت اقتصادی با هم‌آهنگی دولت افغانستان استفاده کنند.

هم‌چنان میررحمان رحمانی خواستار برگزاری نشست «پیکو» در سال آینده به میزبانی افغانستان شده است. رییس مجلس نماینده‌گان پاکستان در این مورد توافق کرده است.

نشست پیکو سال یک بار میان کشورهای عضو در رابطه به مسایل تجارتي و اقتصادی برگزار می‌شود.

۸ صبح، کابل: میررحمان رحمانی، رییس مجلس نماینده‌گان، در حاشیه نشست اقتصادی «پیکو» در اسلام‌آباد با اسد قیصر، رییس مجلس نماینده‌گان پاکستان، دیدار کرد.

نشست اقتصادی پیکو روز دوشنبه، نهم جوزا، برگزار شده بود.

رحمانی از رییس مجلس نماینده‌گان پاکستان خواسته است که حکومت این کشور را برای همکاری در روند صلح و وادار کردن طالبان به مذاکره با حکومت تحت فشار قرار دهد.

رییس مجلس نماینده‌گان گفته است که امکان رسیدن به صلح در افغانستان فراهم شده و ضرورت است تا کشورهای همسایه و منطقه در این زمینه همکاری کنند تا روند صلح با مالکیت افغان‌ها به پیش برود.

طبق اعلام تلویزیون ولسی‌جرگه، دو طرف در این دیدار درباره روند صلح و نقش پاکستان در این روند صحبت کرده‌اند.

در دور جدید مذاکرات باید انعطاف‌پذیر بود

تمایل دولت و طالبان به ازسرگیری مذاکرات صلح در روزهای عید فطر اعلام شد. برای ازسرگیری این مذاکرات، قرار است هیأت دولت افغانستان امروز رهسپار دوحه شود. هیأت‌های دو طرف تا هنوز زمان شروع مذاکرات‌شان پس از وقفه چندین‌ماهه را اعلام نکرده‌اند.

بازگشت دولت و طالبان به میز مذاکره را باید به فال نیک گرفت. انتظار می‌رود که این مذاکرات مثل دوره‌های قبل تنها با وقت‌کشی، رجزخوانی و جدال بیپوده سپری نشود. دو طرف این بار باید با جدیت روی موضوعات مرتبط به صلح، گفت‌وگو کنند. نیت‌های دو طرف باید پیش‌رفت مذاکرات و حصول نتیجه معقول و مقبول از این مذاکرات باشد. در غیر این صورت، ازسرگیری مذاکرات، کمکی به روند صلح نخواهد کرد.

در اوج جنگ‌ها، برنامه دولت و طالبان برای احیای مذاکرات، یک خبر امیدوارکننده است. جنگ‌هایی که پس از توقف مذاکرات انجام شد و تا کنون جاری است، مردم را نسبت به آینده به شدت ناامید کرده بود. این جنگ‌ها ضمن آن‌که تلفات سنگین در پی داشت، خبر از یک آینده بد برای افغانستان می‌داد. مردم تصور می‌کردند که در مذاکرات برای همیشه بسته شده است و باید برای کنار آمدن با شرایط جنگی و یا فرار از آن آماده شوند. ازسرگیری مذاکرات اما مردم را نسبت به آینده دوباره امیدوار خواهد ساخت و انتظار می‌رود که این بار نباید مردم ناامید شوند. افغانستان در شرایط بسیار بدی به سر می‌برد. از یک طرف بیماری واکیر کرونا زنده‌گی را به کام مردم تلخ کرده و از طرف دیگر خشک‌سالی باعث فقر و آواره‌گی مردم شده است. جنگ اما فشار مضاعفی است که از دهه‌ها به این طرف بر مردم افغانستان تحمیل شده است. اگر بیماری کشنده کرونا و یا خشک‌سالی در کنترل آدمی نیست، دست‌کم جنگ را می‌شود محدود ساخت و یا برای پایان آن توافق کرد. این چیزی است که در کنترل دو طرف جنگ است و باید با توجه به وضعیت ویژه افغانستان روی پایان آن به توافق رسید.

جنگ دولت و طالبان در ماه می نشان داد که هیچ یک قادر به غلبه بر دیگری نیست. نه گروه طالبان به تصرفات بیش‌تری دست یافت و نه دولت توانست این گروه را ریشه‌کن کند. البته نتایج این جنگ قبلاً نیز روشن بود و آن این‌که هیچ یک از طرف‌ها قادر به حذف کامل دیگری نیست و چاره‌ای جز سازش سیاسی ندارند.

از این رو، بایسته است که پایان دادن فوری به این جنگ هدف اصلی دولت و طالبان از راه گفت‌وگو و توافق روی آینده باشد. گروه طالبان نباید از مذاکره به عنوان یک دام به هدف اغوای دولت و مردم افغانستان استفاده کند. این گروه قبلاً تلاش داشت که مذاکره را وسیله فریب جهان قرار دهد و از این طریق نیت خصمانه خود در برابر دولت را کتمان کند. گروه طالبان اگر این بار نیز خیال سقوط دولت را در سر بپرورد و برای کتمان آن از دام مذاکره بهره بگیرد، دچار اشتباه خواهد بود؛ زیرا نه امکان سقوط دولت موجود است و نه هم امکان ادامه این حیل‌ه برای طالبان میسر است. مردم افغانستان این بار چشم‌به‌راه نتایج عینی و فوری از این مذاکرات هستند و با دام مذاکره در سایه، فریب نخواهند خورد.

جناح دولت نیز باید ضعف‌هایش را رفع کند. با آشفته‌گی سیاسی که در جناح دولت دیده می‌شود، بعید است که هیأت اعزامی آن در میز مذاکره به دستاورد ملموس برسد. این هیأت نیاز به حمایت جدی تمام نهادها و کنشگران حوزه جمهوریت دارد و باید دستور کار آن کاملاً روشن باشد. اگر قرار باشد یک مجموعه بر طبل جنگ بکوبد و یک مجموعه دیگر از صلح دم بزند، دولت هم در جنگ و هم در صلح خواهد باخت. تنها راه جلوگیری از این باخت، وحدت نظر و همکاری بین طیف‌ها و نهادهای مختلف فعال در حوزه جمهوریت است. این وحدت نظر که از آن به عنوان اجماع سیاسی یاد می‌شود، باید هرچه زودتر به میان آید.

در پایان باید تأکید کرد که بازگشت دولت و طالبان به میز مذاکره، یک اقدام نیک است. هیأت‌های دولت و طالبان در این دور باید متناسب به واقعیت‌های موجود و منافع مشترک دو طرف، به مذاکره آغاز کنند و اهداف‌شان نیز باید دست‌یافتن به یک توافق مطلوب باشد. برای این کار نیاز است که در مواضع دو طرف انعطاف لازم به میان آید. در غیر این صورت، مذاکرات آن‌ها این بار نیز بدون هیچ نتیجه‌ای پایان خواهد یافت و خشونت‌ها بار دیگر تشدید خواهد شد.



پاکستان ۸۰ درصد پروازهای افغانستان به این کشور را محدود کرد

۸ صبح، کابل: اداره هوانوردی ملکی اعلام کرده است که پاکستان ۸۰ درصد پروازهای افغانستان به این کشور را محدود کرده است. نعیم صالحی، سخنگوی اداره هوانوردی ملکی، روز دوشنبه، دهم جوزا، به روزنامه صبح گفت که دولت پاکستان برای جلوگیری از گسترش ویروس کرونا میزان پروازهای خارجی به این کشور را ۸۰ درصد کاهش داده است.

به گفته صالحی، پروازهای شرکت‌های داخلی افغانستان نیز شامل این محدودیت می‌شود. سخنگوی اداره هوانوردی ملکی می‌گوید که از طریق مجراهای دیپلماتیک این موضوع با وزارت هوانوردی ملکی پاکستان در میان گذاشته شده است و روی آن تصمیم لازم گرفته می‌شود.

چنان‌که صالحی می‌گوید که این تصمیم عمومی است، اما در روزهای اخیر روابط بین کابل و اسلام‌آباد پرتنش بوده است.

یک زن در ولایت تخار کشته شد

۸ صبح، کابل: فرماندهی پولیس تخار اعلام کرده است که یک زن در شهر تالقان توسط شوهرش کشته شده است.

خلیل اسیر، سخنگوی پولیس تخار، روز دوشنبه، دهم جوزا، گفته است که زنی به نام شهناز در قریه گذرآسیاب شهر تالقان، ولایت تخار «خفک» شده است.

به گفته اسیر، شوهر این زن که شاه وزیر نام دارد در پیوند به این قضیه توسط پولیس بازداشت شده است.

زن قربانی دو کودک نیز داشته است. پولیس تخار انگیزه قتل را مشکلات خانوادگی اعلام کرده است.

اسیر گفته است که قضیه زیر بررسی قرار دارد.

ادعای حضور طالبان در بازار ولسوالی غوریان

۸ صبح، هرات: ویدیویی که در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شود نشان می‌دهد که جنگ‌جویان گروه طالبان وارد بازار ولسوالی غوریان هرات شده و پرچم این گروه را در بازار ولسوالی با خود حمل می‌کنند.

در این ویدیو دیده می‌شود که اعضای گروه طالبان با جنگ‌افزارهای سبک و سنگین وارد مرکز ولسوالی غوریان شده و ادعا دارند این ولسوالی را تصرف کرده‌اند. مقام‌های محلی هرات تاکنون در مورد این ویدیو اظهار نظر نکرده‌اند.

هم‌زمان گزارش‌هایی نیز از کشته شدن مولوی حماسی، مسوول جنگ طالبان نشر شده است.

گفته می‌شود این فرمانده کلیدی طالبان در بازار ولسوالی غوریان کشته شده است. طالبان تاکنون در مورد این خبر چیزی نگفته‌اند.

از جانب دیگر، برخی منابع معتبر امنیتی بدون افشای نام‌شان، در صحبت با روزنامه ۸ صبح تأیید می‌کنند که صبح روز دوشنبه، دهم جوزا، نبردهای شدید میان جنگ‌جویان طالبان و نیروهای امنیتی در ولسوالی غوریان هرات روی داده است.

منابع امنیتی هم‌چنان می‌افزایند، ولسوالی زنده‌جان در همسایه‌گی غوریان نیز گواه نبردهای پراکنده میان طالبان و نیروهای امنیتی بوده است. برخی منابع مردمی نیز از زخمی شدن شماری از افراد غیرنظامی در نبردهای ولسوالی غوریان خبر می‌دهند.

ولسوالی‌های غوریان و زنده‌جان که در غرب ولایت هرات موقعیت دارند، طی چند ماه اخیر گواه افزایش بی‌پیشینه نبردها میان طالبان و نیروهای امنیتی افغانستان بوده است.

نیت طرف‌های مذاکرات صلح در بوته آزمون

حدود ۱۰ عضو هیأت ۲۱ نفری دولت امروز سه‌شنبه به دوحه، پایتخت قطر، می‌روند. بقیه اعضای هیأت مذاکره‌کننده دولت نیز به زودی به این جمع خواهند پیوست. به گفته بانو انوری، هیأت‌های دو طرف در جریان نشست روز عید روی تسریع مذاکرات صحبت کرده بودند و توافق شده بود که طرف‌ها مذاکرات را پس از روزهای عید از سر بگیرند.



حسین بهش

مسایل مهم کشور تصمیم می‌گیرد.

هم‌زمان با این مورد، منابع تصریح می‌کنند که ترکیب هیأت هم‌چنان نهایی نشده است و حضور هیچ فردی قطعی نیست. تاکنون دست‌کم سه تشکیل ۱۴ نفری، ۱۸ نفری و ۲۸ نفری تهیه شده، اما روی آن توافقی صورت نگرفته است. براساس معلومات منابع، گلبدین حکمتیار در جریان نشست سه‌جانبه‌اش با رییس جمهور غنی و آقای کرزی، پیشنهاد کرده بود که شمار اعضای این شورا از حدود شش نفر بیش‌تر نباشد. او در اوایل با حضور عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه ملی، عبدالرب رسول سیاف، عبدالرشید دوستم و امرالله صالح مخالفت داشت. با این حال تأکید آقای کرزی سبب شده بود که رهبر حزب اسلامی تنها به حضور آقای عبدالله و آقای سیاف چراغ سبز نشان دهد و با تشکیل هشت نفری این شورا موافقت کند. این پیشنهاد گلبدین حکمتیار در حالی مطرح شده است که براساس توافق سیاسی، روند صلح کشور را باید عبدالله عبدالله در چارچوب شورای مصالحه رهبری کند.

گفتنی است که این شورا برای اجماع ملی در کشور شکل می‌گیرد. محمدآشرف غنی، رییس جمهور کشور، نیز روز پنج‌شنبه، ششم جوزا، گفت که بخش عمده استحکام ملی را اجماع ملی تشکیل می‌دهد. با این حال او تلویحاً به تأکید برخی از سیاست‌مندی بر محدود بودن ترکیب این شورا و اکتش نشان داد و گفت که اجماع ملی تعیین آینده مملکت توسط افراد محدود نیست، بلکه باید مردم در آن سهم داشته باشند. براساس معلومات ارگ، قرار بود ترکیب این شورا روز دوشنبه، دهم جوزا، اعلام شود، اما ظاهراً حکومت هنوز نتوانسته است توافقات در مورد ایجاد این شورا را نهایی سازد.

امروز برای ازسرگیری این مذاکرات وارد دوحه شوند. ناحیه انوری، سخنگوی وزارت دولت در امور صلح، روز دوشنبه، دهم جوزا، به روزنامه ۸صبح گفت که حدود ۱۰ عضو هیأت ۲۱ نفری دولت امروز سه‌شنبه به دوحه، پایتخت قطر، می‌روند. او افزود که بقیه اعضای هیأت مذاکره‌کننده دولت نیز به زودی به این جمع خواهند پیوست. به گفته بانو انوری، هیأت‌های دو طرف در جریان نشست روز عید روی تسریع مذاکرات صحبت کرده بودند و توافق شده بود که طرف‌ها مذاکرات را پس از روزهای عید از سر بگیرند. سخنگوی وزارت دولت در امور صلح تصریح کرد که نیت هیأت دولت، پیش‌برد مذاکرات صلح است و اکنون پس از دریافت دیدگاه‌ها، پیشنهادها، مشوره‌ها و نگرانی‌های شهروندان، قرار است به پایتخت قطر بازگردد.

بانو انوری گفت که هیأت دولت برای «پیش‌برد جدی مذاکرات» اراده دارد و هدف ازسرگیری مذاکرات نیز برقراری آتش‌بس سراسری و زودهنگام و به نتیجه رسیدن روند صلح است. به گفته بانو انوری، پیش‌رفت مذاکرات صلح بسته‌گی به اراده جدی دو طرف دارد و هیأت مذاکره‌کننده دولت از این اراده برخوردار است. سخنگوی وزارت دولت در امور صلح تصریح کرد که هیچ پیش‌شرطی برای آغاز مذاکرات از سوی گروه طالبان گذاشته نشده و این گروه خواستار شروع هرچه زودتر مذاکرات است. او گفت که مذاکرات از همان نقطه‌ای که متوقف شده بود، از سر گرفته می‌شود. بدین ترتیب دو طرف در جریان نشست‌های بعدی روی تهیه اجندای این مذاکرات بحث و گفت‌وگو خواهند کرد.

گفتنی است که برخی از سیاست‌مندی در کشور از طرف‌ها

وزارت دولت در امور صلح می‌گوید که شماری از اعضای هیأت مذاکره‌کننده دولت روز سه‌شنبه، یازدهم جوزا، به دوحه می‌روند. هدف از برگشت هیأت دولت به دوحه، ازسرگیری مذاکرات صلح بین‌افغانی با طالبان است. هیأت این گروه در نشست روزهای عید به طرف دولت پیشنهاد ادامه این گفت‌وگوها را داده بود و اعضای آن تعهد کرده بودند که پس از روزهای عید به میز مذاکره برمی‌گردند. در همین حال منابع در حکومت می‌گویند که افزون بر پیش‌برد مذاکرات، هیأت مذاکره‌کننده دولت نیت طالبان به صلح را نیز ارزیابی می‌کند. بدین ترتیب اگر طالبان به این روند متعهد بودند، در آن صورت حکومت برای برقراری صلح به همین مذاکرات اتکا خواهد کرد. این در حالی است که برخی از سیاست‌مندی در کشور پیشنهاد کرده‌اند که طرف‌ها برای مذاکرات به داخل کشور بازگردند و گفت‌وگوها را در این‌جا ادامه دهند. افزون بر این، منابع می‌گویند که تکلیف ایجاد شورای عالی دولت نیز روشن نشده است. هرچند مبتنی بر معلومات، ارگ با تصمیم‌گیر بودن این شورا موافقت کرده، اما شمار اعضای این شورا هنوز محل بحث است. برخی از سیاست‌مندی پیش‌تر پیشنهاد کرده بودند که شمار اعضای این شورا محدود شود و حتا عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه ملی، نیز عضو آن نباشد. با این حال رییس جمهور غنی گفته است که اجماع ملی با شماری از افراد محدود به دست نمی‌آید و باید مردم در آن سهیم باشند. گفتنی است که تاکنون دست‌کم سه تشکیل برای شورای عالی دولت پیشنهاد شده، اما هیچ‌کدام نهایی نیست.

پس از تأخیر بی‌هم در مذاکرات صلح بین‌افغانی، قرار است بخشی از اعضای هیأت مذاکره‌کننده دولت

جزئیات تازه از آتش‌سوزی گمرک اسلام قلعه؛

دولت علیه عاملان دعوا باز می‌کند



عبدالحمید حسینی

بررسی‌های هیأت حقیقت‌یاب حکومت از آتش‌سوزی گمرک اسلام‌قلعه هرات نشان می‌دهد که این آتش‌سوزی به دلیل غفلت وظیفه‌ای کارمندان گمرک، تصدی محافظت عامه و شرکت تی‌سی‌آرسی (TCRC) رخ داده است. هیأت حقیقت‌یاب حکومت می‌گوید که در این حادثه علاوه بر این نهادها، خود تاجران نیز دخیل‌اند. به گفته این هیأت، برخی از تاجران مواد نفتی را به عنوان پرزه‌جات و سایر کالای‌های تجارتي محصول کرده‌اند، از این رو در آتش‌سوزی اسلام‌قلعه آن‌ها نیز متخلف‌اند. هیأت حقیقت‌یاب حکومت می‌گوید که آنان متخلفان آتش‌سوزی گمرک اسلام‌قلعه را به نهادهای عدلی و قضایی معرفی کرده‌اند. بررسی‌های این هیأت نشان می‌دهد که در این آتش‌سوزی نزدیک به یک هزار و ۲۵۰ موتر سوخته و بیش از ۳۳ میلیون دالر به مالکان موتورها خسارت وارد شده است. هیأت حقیقت‌یاب می‌افزاید که حکومت حدود ۸ میلیون دالر را برای دل‌جویی از موترداران در نظر گرفته و قرار است خسارت وارد شده به این متضرران پس از دعوای حقوقی با شرکت تی‌سی‌آرسی پرداخت شود. در همین حال مالکان موتورهای باربری می‌گویند که شرکت تی‌سی‌آرسی مقصر اصلی آتش‌سوزی است و باید کل خسارات وارد شده را پرداخت کند.

آتش‌سوزی گمرک اسلام‌قلعه در تاریخ بیست‌وپنجم دلو سال گذشته رخ داد. این آتش‌سوزی به قدری گسترده و بزرگ بود که حکومت محلی هرات در مهار آن عاجز ماند و از ایران خواستار کمک شد. این آتش‌سوزی به کمک نیروی اطفاییه ایران مهار و پس از چند ساعت خاموش شد. بعد از این حادثه متضرران آن حکومت را مسوول آتش‌سوزی عنوان کردند و خواستار پرداخت غرامت شدند. حکومت مجبور شد که یک هیأت متشکل از چندین نهاد دولتی و غیردولتی را به رهبری وزارت دولت در امور رسیده‌گی به حوادث به ولایت هرات بفرستد. این هیأت پس از بررسی‌ها نتیجه گزارش تحقیقاتی‌اش را با حکومت در میان گذاشت. برمبنای این تحقیقات، آتش‌سوزی گمرک اسلام‌قلعه

به دلیل غفلت وظیفه‌ای کارمندان این گمرک رخ داده است. احمدتیمیم عظیمی، سخنگوی وزارت دولت در امور رسیده‌گی به حوادث، گفت که این هیأت در مدت ۱۵ روز تمامی ابعاد آتش‌سوزی در این گمرک را بررسی کرده است. او به روزنامه ۸صبح گفت که براساس مشاهدات عینی و استعلام‌های ادارات محلی ولایت هرات، این آتش‌سوزی به دلیل غفلت وظیفه‌ای نهادهای دخیل در اسلام‌قلعه صورت گرفته است.

آتش‌سوزی چگونه رخ داده است؟

به آقای عظیمی نتیجه این تحقیقات نشان می‌دهد که شرکت تی‌سی‌آرسی (TCRC) هنگام نمونه‌گیری از گاز، بی‌توجهی کرده است. این شرکت مسوول کنترل کیفیت و نمونه‌گیری مواد نفتی در گمرک اسلام‌قلعه است و زیر نظر اداره نورم و استندرد فعالیت دارد. سخنگوی وزارت دولت در امور رسیده‌گی به حوادث گفت این شرکت در هنگامی که تانکرهای تیل و گاز و سایر موتورها با کالاهای تجارتي در گمرک تجمع کرده بودند، اقدام به آزمایش مواد نفتی کرده است. او افزود که در همین هنگام یک موترسایکل از ساحه عبور کرده و «پلک» یا شمع آن شارت بوده و جرقه کرده است. به گفته آقای عظیمی از آن جایی که ساحه مملو از گاز بوده، سبب آتش‌سوزی شده است. افزون بر این، او تصریح کرد که در هنگام آتش‌سوزی یک موتر از گمرک اقدام به فرار کرده، اما پولیس موظف در دروازه گمرک، به دستور آرمش به سوی موتر شلیک و تاپرش را «پنچر» کرده است. سخنگوی وزارت دولت در امور رسیده‌گی به حوادث بیان کرد که پنچر شدن این موتر سبب مسدود شدن راه شده و سایر موتورها نیز نتوانسته‌اند از ساحه فرار کنند. به گفته او تمامی موتورها در ازدحام گیر کرده و در آتش سوخته‌اند. از سوی دیگر آقای عظیمی افزود که گمرک اسلام‌قلعه چندین دروازه ورودی و خروجی دارد، اما این دروازه‌ها از آدرس تصدی محافظت عامه مسدود بوده است. او گفت که بسته شدن این دروازه‌ها براساس بررسی‌ها هیچ جنبه حقوقی و قانونی ندارد. هم‌چنان سخنگوی این وزارت تصریح کرد که مسوولان گمرک اسلام‌قلعه در همه ساحات برای جلوگیری از فرار موتورها خندق

حفر کرده‌اند. او این کار را نامناسب دانست و افزود که نباید انجام می‌شد. این در حالی است که پیش از این آتش‌سوزی، تاجران از کندی در روند خروج تانکرهای مواد نفتی از این گمرک ابراز نگرانی کرده و از احتمال آتش‌سوزی هشدار داده بودند. اتحادیه مواد نفتی هرات از مقام‌های محلی خواسته بودند که توقف تانکرهای مواد سوختی به ویژه گاز مایع در گمرک و دخول و خروج مختلط این تانکرها با سایر موتورها را بررسی کند. آنان هشدار داده بود که نشت گاز از تانکرها وجود دارد و این، احتمال وقوع آتش‌سوزی در گمرک را افزایش می‌دهد.

عاملان آتش‌سوزی به نهادهای عدلی و قضایی معرفی می‌شوند

با این حال آقای عظیمی خاطر نشان کرد که در آتش‌سوزی گمرک اسلام‌قلعه هرات بیش از یک هزار و ۲۰۰ موتر حریق شده است. او گفت که در نتیجه بیش از ۳۳ میلیون دالر زیان مالی وارد شده است. سخنگوی وزارت دولت در امور رسیده‌گی به حوادث تصریح کرد که در این آتش‌سوزی شرکت تی‌سی‌آرسی، اداره نورم و استندرد، مسوولان گمرک اسلام‌قلعه و تصدی محافظت عامه مقصر شناخته شده‌اند و هیأت حقیقت‌یاب فیصله کرده است که این اداره‌ها و شرکت تحت پی‌گرد قرار گیرند. هم‌چنان او افزود که برخی از تاجران نیز در آتش‌سوزی مقصرند. به گفته او، شماری از تاجران با آن که مواد نفتی وارد کشور کرده‌اند، اما در گمرک به نام پرزه‌جات محصول پرداخته‌اند. هرچند این تاجران تاکنون از حکومت خواستار جبران خسارت نشده‌اند، اما مالکان موتورها از حکومت خواسته‌اند که به آنان خسارت پرداخت شود. او گفت که در این بررسی موترداران مستحق شناخته شدند و دولت برای «دل‌جویی» از آنان هشت میلیون دالر اختصاص داده است. این مقدار پول تنها به متضرران داخلی پرداخت می‌شود. در میان یک هزار و ۲۵۰ موتر، حدود ۴۵ موتر آن مربوط به کشورهای ترکیه و ایران بوده است. از آن جایی که این موتورها بیمه‌اند، حکومت کدام پولی برای آنان پرداخت نمی‌کند.

از جانب دیگر سخنگوی وزارت دولت در امور رسیده‌گی

به حوادث گفت که این مقدار پول غرامت و یا خسارت نیست. او افزود که این پول به منظور دل‌جویی از موترداران پرداخت می‌شود. او گفت: «تا زمانی که کمپنی تی‌سی‌آرسی و سایر نهادهای دخیل پی‌گرد عدلی و قضایی می‌شوند که خسارت بپردازند، حداقل به خاطر دل‌جویی حکومت هشت میلیون دالر را از بودجه ملی حکم کرد که به موترداران توزیع شود. نهادهای عدلی و قضایی تصمیم خود را بگیرند و بررسی خود را انجام دهند که آیا جبران خسارت از این نهاد ممکن است یا خیر. اگر ممکن بود، جبران خسارت صورت می‌گیرد و هشت میلیون دالر دولت هم شاید دوباره به دولت از این مجرا داده شود. بقیه پول موترداران که می‌ماند، پرداخت شود.» با این حال او افزود که اکنون هیأت بررسی‌کننده با وزارت مالیه روی مکانیسم توزیع پول به موترداران کار می‌کند تا پول به صورت شفاف توزیع شود.

در همین حال شماری از موترداران این مقدار پول را بسنده نمی‌دانند. آنان می‌گویند که با پرداخت هشت میلیون دالر پول نقد و حدود سه تا چهار میلیون لاشه موتورها سوخته، تنها یک سوم ارزش مجموعی هر موتر به مالک آن به رویت اسناد از سوی حکومت پرداخت می‌شود. سیدعظیم، از متضرران حادثه آتش‌سوزی اسلام‌قلعه است. او گفت که حکومت در مقابل خسارت بزرگی که به آنان وارد شده، مقدار اندکی غرامت پرداخت کرده است. او افزود که پنج موتر باربری‌اش در آتش سوخته است، اما حکومت هشت میلیون دالر را برای یک هزار و ۲۴۵ موتر پرداخت کرده و این مقدار در مقابل خسارت وارد شده به آنان بسیار ناچیز است.

بصیر آرین، از دیگر خسارت‌دیده‌گان آتش‌سوزی اسلام‌قلعه است. او گفت براساس یافته‌های هیأت حقیقت‌یاب، بیش از یک هزار و ۲۰۰ موتر در آتش سوخته است. به گفته او، برمبنای بررسی‌های انجام شده، شرکت تی‌سی‌آرسی، مقصر این رویداد است و حکومت دعوای حقوقی را برای پرداخت غرامت از سوی این شرکت به متضرران آغاز کرده است.

گفتنی است که میزان آتش‌سوزی در چند ماه اخیر افزایش یافته است. پس از آتش‌سوزی در گمرک اسلام‌قلعه هرات، گمرک ابونصر فراهی در ولایت فراه و چند تانکر مواد سوختی در کابل آتش گرفت. متضرران این حوادث وقوع این آتش‌سوزی‌ها را مرموز خوانده بودند.

در آستانه بازگشت به میز گفتوگو؛

چرا باید در روش مذاکره دولت و طالبان تغییر کند؟



خلیل اسیر

دولت برای ازسرگیری مذاکرات صلح با گروه طالبان، هیأت خود را به دوحه می‌فرستد. قرار است بخشی از اعضای این هیأت امروز و بخش دیگر آن در روزهای آینده رهسپار دوحه شوند. تا هنوز زمان

دقیق ازسرگیری مذاکرات بین دو طرف اعلام نشده است. گروه طالبان قبلاً در روزهای عید تمایل خود به ازسرگیری مذاکرات با دولت را اعلام کرده بود. اما برای ازسرگیری این مذاکرات نیاز است ابتدا تیم‌های تماس دو طرف با هم گفت‌وگو کنند. این تیم‌ها، زمان نشست رسمی هیأت‌های دولت و طالبان و همین‌طور موضوع مورد بحث در این نشست را تعیین خواهند کرد.

مذاکرات صلح بین دولت و طالبان در ۲۲ سنبله ۱۳۹۹ رسماً با میزبانی قطر آغاز شد. دور اول این مذاکرات پس از توافق روی «کارشویه مذاکرات» در ۲۲ قوس همان سال پایان یافت. دور دوم مذاکرات بین دولت و طالبان، پس از وقفه یک‌ماهه، در ۲۰ جدی ۱۳۹۹ آغاز شد. این دور از مذاکرات به بحث روی موضوعات اصلی مورد مذاکره اختصاص داشت. در دور دوم اما به جز سه نشست سرد و تعارفی، هیچ نشست دیگری بین هیأت‌های دولت و طالبان برگزار نشد. با این وصف، تیم‌های تماس دو طرف با هم در ارتباط بودند، تا این‌که در ماه حوت توقف مذاکرات رسماً تأیید شد.

فهرست موضوعات پیشنهادی دولت و طالبان برای بحث در پشت میز مذاکره قبلاً تعیین و بین دو طرف تبادل شده است. چنان‌که اعلام شد، اختلاف اصلی بین دو طرف در ترتیب و چیدمان موضوعات مورد بحث نهفته بود. در فهرست پیشنهادی هیأت دولت، آتش‌بس در رأس این فهرست قرار داشت، در حالی که این موضوع در قعر فهرست طالبان قرار گرفته بود. رهایی زندانیان باقی‌مانده و همین‌طور بیرون کردن نام‌رهران طالبان از فهرست سیاه سازمان ملل متحد از موضوعاتی بود که هیأت طالبان در صدر اجندای خود برای بحث در دور دوم مذاکرات آورده بود. این تفاوت در چیدمان موضوعات مورد بحث باعث شد که دور دوم مذاکرات بدون هیچ نتیجه‌ای متوقف شود. حالا که قرار است مذاکرات صلح بین دولت و گروه

طالبان پس از وقفه‌ای چندین‌ماهه از سر گرفته شود، بد نیست که روش مذاکرات دو طرف آسیب‌شناسی و یک روش معقول برای ادامه مذاکرات و همین‌طور حصول نتیجه مطلوب از آن پیشنهاد شود. ارزیابی دو دور مذاکره بین دولت و طالبان نشان می‌دهد که هیأت‌های دو طرف با روش مذاکرات اصولی آشنا نیستند؛ یا اگر آشنا هم هستند، بدان پابندی ندارند. این بزرگ‌ترین نقیصه مذاکرات بین دولت و طالبان در دو دور گذشته و عامل بن‌بست و توقف این مذاکرات بوده است. پیش‌بینی می‌شود که اگر روش مذاکرات اصولی، مبنای کار هیأت‌های دولت و طالبان قرار نگیرد، مذاکرات آن‌ها این بار نیز به توافق مطلوب نخواهد رسید. حتی احتمال دارد که مذاکرات غیراصولی دو طرف باعث شکست کامل این مذاکرات و در نتیجه تشدید جنگ خونین کنونی شود؛ زیرا وقتی مذاکره شکست می‌خورد، جنگ آغاز می‌شود.

روش مذاکره طالبان متأسفانه یک روش «سخت» است. این روش برای رسیدن به توافق مطلوب و منصفانه پاسخ نمی‌دهد. نگاه هیأت طالبان به هیأت دولت در دو دور مذاکره، کاملاً خصمانه بود و تلاش داشت که این هیأت را از پشت میز مذاکره دست خالی به کابل برگرداند. امتیازخواهی و تهدید به هدف غلبه و پیروزی، از ویژه‌گی دیگر مذاکره هیأت طالبان در این دو دور بود. هم‌زمان هیأت طالبان از جنگ این گروه به عنوان اهرم فشار سود می‌برد و کم‌ترین انعطاف در موضع این گروه در دو دور مذاکره دیده نشد. هیأت طالبان ضمن آن‌که اهداف غایی خود را در پرده ابهام می‌گذاشت، تلاش می‌کرد تا هیأت دولت را به توافقاتی راضی کند که تنها به نفع و مطلوب این گروه بود. مذاکره با این ویژه‌گی‌ها در چارچوب مذاکره



با روش «سخت» قرار می‌گیرد و طبعاً نمی‌تواند به توافق مطلوب، منصفانه و پایدار منجر شود. روش مذاکره هیأت دولت، تلفیقی از دو روش «ترم» و «سخت» بود. اعضای هیأت دولت در روزهای نخست بسیار خوش‌بین بودند که می‌توانند در دور میز مذاکره با هیأت طالبان به توافقاتی برسند. به همین دلیل، با اعضای هیأت طالبان رفتار دوستانه برقرار کرده بودند و دوست داشتند در برخورد با قضایا با نرمی رفتار و روی طرف مقابل اعتماد کنند. در مواردی هم به هدف ادامه روابط و نیل به توافق، تغییر موضع می‌دادند و در امتیازدهی زیاد سخت‌گیر نبودند. پس از آن‌که برای هیأت دولت روشن شد که هدف هیأت طالبان از مذاکره دست‌یافتن به توافق مطلوب نیست، بلکه این هیأت به کم‌تر از غلبه و پیروزی رضایت نمی‌دهد، به اتخاذ روش «سخت» روی آورد. این امر باعث شد که در دور اول، کار روی کارشویه مذاکرات زمان زیاد ببرد و در دوم، بحث‌ها روی موضوعات اصلی مورد مذاکره اصلاً آغاز نشود. در فرجام دیدیم که مذاکرات بین هیأت‌های دولت و طالبان بدون کم‌ترین پیش‌رفتی متوقف شد. این توقف بدون هیچ تردیدی ناشی از روش‌هایی بود که دو طرف برای انجام مذاکره برگزیده بودند.

حالا که دهل ازسرگیری مذاکرات بین دولت و طالبان به صدا درآمده است، بهتر است دو طرف با آموختن از خطاهای گذشته، روی روش مذاکره خود تجدید نظر کنند. در گام نخست، دو طرف باید جایگاه یک‌دیگر را به رسمیت بشناسند؛ به این معنا که هیأت‌های دولت و طالبان هر دو قبول کنند که نماینده‌گان واقعی دو طرف جنگ هستند و ماموریت دارند که برای پایان دادن به جنگ جاری و برقراری صلح در افغانستان با هم گفت‌وگو کنند. طبق قاعده مذاکره اصولی، آن‌ها

نه دوست هم هستند و نه دشمن هم، بلکه ماموران رسمی دو طرف جنگ برای انجام یک توافق مطلوب و منصفانه به هدف برقراری صلح پایدار در افغانستان هستند.

هیأت‌های دولت و گروه طالبان باید منافع مشترک دو طرف در آینده افغانستان را تشخیص دهند. آن‌چه باید مسیر مذاکرات دو طرف را هدایت کند، منافع علیای افغانستان و منافع مشترک دو طرف است، نه منافع دولت و یا منافع طالبان. حصول توافق روی منافع دولت و یا منافع طالبان، یک امر غیرممکن است؛ اما می‌توان روی منافع مشترک و منافع علیای کشور به توافق رسید. مذاکره اصولی ایجاب می‌کند که منافع مشترک دولت و طالبان و منافع علیای افغانستان باید کشف شود و برای نیل به آن، مسیر مذاکرات تغییر کند.

برای انجام مذاکره اصولی، این مهم نیست که دولت و طالبان هر دو در گذشته چه کرده‌اند و مواضع کدام یک برحق بوده است؛ به این دلیل که تأکید روی مواضع، مسیر رسیدن به توافق را دشوار می‌سازد و امکان برخورد خصمانه بین دو طرف را بالا می‌برد. طبیعی است که وقتی حمله بر موضع یک طرف انجام می‌شود، طرف مقابل در موضع دفاعی قرار می‌گیرد. این حمله و دفاع، مذاکره را به یک جدل بیپایه تبدیل می‌کند و مانع رسیدن به توافق مطلوب می‌شود.

واقعیت این است که در جنگ قدرت، هیچ یک از طرف‌ها برحق مطلق نیست. هم‌چنان موضع هیچ یک از طرف‌ها باطل مطلق نیست. از این رو، باطل‌انگاری موضع طرف مقابل و حق‌انگاری موضع خود، یک انگاره خلاف واقع است. این کار به جای کمک به سازش و آشتی، باعث نفرت و انتقام‌جویی می‌شود و طرف‌ها را به سمت تلاش به غلبه بر یک‌دیگر می‌کشد.

اما اگر بنای مذاکره بر روش مذاکره اصولی گذاشته شود، آن‌چه اهمیت می‌یابد، واقعیت‌های میدانی است، نه خیالات ذهنی که ممکن است هر یک از طرف‌های جنگ داشته باشد. واقعیت‌های میدانی افغانستان این است که جنگ جاری به بن‌بست رسیده است و غلبه بر دیگری و حذف کامل آن از این طریق ممکن نیست. بنابراین، یگانه راه حل این است که طرف‌های جنگ با توجه به این واقعیت، روی سازش و آشتی با یک‌دیگر فکر کنند. این سازش و آشتی اما تنها زمانی میسر می‌شود که هم دولت و هم طالبان بتوانند منافع یک‌دیگر را کشف کنند و وجه مشترک آن را مبنای زنده‌گی صلح‌آمیز خود در آینده قرار دهند. در غیر این صورت، تمام تلاش‌ها برای رسیدن به توافق صلح، با شکست روبه‌رو خواهد شد؛ اگر توافقی هم حاصل شود، پایدار نخواهد بود.

سخنرانی غنی در دانشگاه کابل؛

خلق امید کاذب

غنی است. او با رفتارهای قوم‌گرایانه، اعتماد میان اقوام را از میان برده و خلاف بیاناتش جمهوری به مثابه نهاد شخصی او و تامین‌کننده منافع او و تیم بادآورده‌اش عمل می‌کند.

او در سخنرانی‌اش از مشارکت واقعی مردم گفت و پروگرام میثاق شهروندی را مثال آورد که گویا مردم روستاها را در تصمیم‌گیری‌ها شریک و صاحب‌صلاحیت ساخته است. «مشارکت» بزرگ‌ترین دروغ جمهوری کنونی است. از زمانی که غنی به عنوان مسوول مملکت به کار آغاز کرده، بیش‌تر صلاحیت‌های وزارت‌خانه‌ها به ارگ منتقل شده است. تمام فرمانداران شهرستان‌ها، والی‌ها، رییسان معارف، دانشگاه‌ها و بخش‌های دیگر با امضای او و زیر نظر او و تیم باصلاحیتش تعیین و مقرر می‌شوند. مردم محل برای تعیین تکلیف خودشان در تصمیم‌گیری‌ها در امور خودشان، هیچ صلاحیتی در محلات ندارند.

غنی می‌گوید برای ترمپ نامه فرستادم که برآیید. او امیدوار است که ارتش و کماندو از افغانستان و جمهوری حراست خواهند کرد. اما مشاور امنیت ملی او چندین بار گفته است که افغانستان را جنگ داخلی تهدید می‌کند. همه می‌دانند که کابل در محاصره است. اگر چنین نیست، اگر هراس از سقوط نداری، چرا مخفی و پشت درهای بسته با مقام‌های پاکستانی سخن گفتی؟ چرا می‌خواستی مخفی با رهبری طالبان دیدار داشته باشی؟ چرا از پاکستان می‌خواهید که زمینه گفت‌وگوهای روبه‌رو را با گروه طالبان برای شما فراهم کند؟

نباید اضع وارونه گزارش داده و امید کاذب خلق شود. اکنون وقت مناسب برای تدریس و تشریح معادن، راه‌های توسعه افغانستان و در کل کار معلمی نیست. حداقل غنی این مسوولیت و وظیفه را به یکی غیر از خودش واگذار کند. کار او شکل دادن اجماع ملی، تمرکز روی روند صلح، دفاع از جان مال و مردم و رسیده‌گی به مشکلات مردم است.

نیروهای خارجی از کشتار یک‌دیگر و جنگ مذهب و قومی‌کشی جلوگیری شده است.

او می‌گوید که بند کمال خان «کندوی تمام منطقه می‌شود. عوض این‌که آب را رایگان صادر کنیم، یا تیل بدهند یا پیداوار ما را بخرند. در این چه مشکل است؟» این یک عوام‌فریبی و لفاظی است تا یک امکان واقعی. براساس نوشته و ادعای عثمانی، وزیر اسبق آب و برق، غیر از بند کمال خان چندین بند دیگر مثل آن نیاز است تا آب مورد نیاز زمین‌های اطراف این بند را کفایت کند. غنی می‌تواند با خشک و بی‌حاصل نگه داشتن زمین‌های محل، آب بند کمال خان را به فروش برساند، در غیر آن افغانستان آب مازاد برای فروش اصلاً ندارد.

غنی حرف خوب می‌زند، اما عملش در مقابل حرفش قرار می‌گیرد. او می‌گوید: «جمهوریت بدون جمهور معنا دارد؟ و خوش‌بختانه من در نبض ملت چه می‌بینم؟ ملت اجماع دارد و قشر سیاسی انشاءالله تعالی می‌رود به طرف اجماع سیاسی، اما نکته کلیدی ما عمل، بسیج و اقدام به اساس اجماع ملی باشد و هدف ما باید این باشد که یک دولت مقتدر که جوابگوی، کارا و شنوا که جوابگوی ضرورت ما باشد، ایجاد کنیم و ایجاب این را می‌کند که ولایت‌های خود را به صورت واضح تعیین کنیم و به صورت واضح تطبیق کنیم.»

آن‌چه مردم طی این سال‌ها به درستی در این مورد اطلاع دارند، این است که یگانه فرد مانع بر سر راه شکل‌گیری اجماع سیاسی و ملی، شخص خود غنی است. محمدشرف غنی حتماً با برادر خویش آشتی نیست و رفت‌وآمد ندارد. شکاف درون حکومت و درز و ترکی که جمهوری برداشته، ناشی از کردار سیاسی

رییس جمهور غنی در سخنرانی‌اش در دانشگاه کابل، بار دیگر استادوار مواضع و برنامه‌هایش را توضیح داد. او در این در مورد همه



حبیب حیدزاده

چیز صحبت کرد، جز بحران کنونی و بعضی از مشکلاتی که خودش بار آورده است. او از رویا و آرزوهایش، امیال و دانسته‌گی‌هایش برای افغانستان به درستی و همه‌جانبه سخن گفت که در این حد تقریباً نظریه‌پرداز و مصلح و مسوول بادرک و عالی است، اما در شرایطی که طالبان به دروازه‌های شهرهای بزرگ رسیده‌اند، چه باید کرد و برنامه‌اش چیست، چیز تازه‌ای در این مورد نگفت. آن‌چه او به عنوان یک مدیر کارکشته، استاد دانشگاه و پژوهشگر در مورد جایگاه افغانستان، فرصت‌های منطقه‌ای، روابط با پاکستان، ظرفیت‌های داخلی و چیزهایی از این‌دست گفت و می‌گوید، شاید درست باشد، اما مردم افغانستان از او انتظاراتی دارند که از یک رییس جمهور و مسوول امور یک مملکت انتظار می‌رود. او شاید نظریات و پیشنهادات خوب داشته باشد، اما در سیاست عملی، آن غنی نظریه‌پرداز و پر از آرزو برای افغانستان غایب است و فقط محمدشرف غنی تکراری، تندخوی و تمامیت‌خواه حضور دارد. سخن گفتن در مورد آب‌های افغانستان که هیچ وقت از دهن غنی نمی‌افتد، تبدیل شدن چین به بزرگ‌ترین اقتصاد جهان، معادن و امتیازهای دیگر کاری است که استادان دانشگاه بهتر و بیش‌تر از غنی فرصتش را دارند. وظیفه و مسوولیت رییس جمهور غنی در وضعیت حساس و شکننده کنونی، یافتن راه معقول برای پایان دادن به روابط تیره نیم سده با پاکستان، تامین امنیت مردم، ایجاد اجماع واقعی، مبارزه با فساد و کار برای یک‌پارچه کردن مردم است.

او در سخنرانی‌اش می‌گوید: «اولین فرصت این است که استحکام حاکمیت ملی می‌آید. استحکام حاکمیت



+93) 700 175 510 / +93) 788 788 799

جهت سفارش آگهی‌تان با شماره‌های روبه‌رو در تماس شوید:

روزنامه ۸ صبح برای توسعه کسب و کارتان صفحه‌ی ویژه تبلیغات ایجاد کرد. روزنامه ۸ صبح به هدف کمک و حمایت از توسعه مشاغل و تجارت، تبلیغات شما را با هزینه کم‌تر و کیفیت بهتر نشر می‌کند. این روزنامه یک صفحه‌ی ویژه تبلیغاتی را به همین منظور راه‌اندازی کرده است. در این صفحه‌ی ویژه به تناسب استطاعت شما فضا وجود دارد. ما با داشتن تیراژ بلند در نسخه‌ی چاپی و مخاطبان حداکثری در پایگاه‌های مجازی‌مان آماده همکاری با مشاغل و کسب‌وکارهای مختلف هستیم تا تبلیغات شما را با مخاطبان خود به اشتراک بگذاریم.

بهزاد فرنیچر



Email: behzad.dost@gmail.com 0781 700 000

بهزاد فرنیچر کیفیت بهتر

آدرس: چهارراهی بره‌کی، کابل، افغانستان



شرکت خدمات IT برتر تیک

لیست بهترین خدمات ما

- طراحی وبسایت
- وب هاستینگ و ثبت دامین
- طراحی و توسعه دیتابیس
- ساخت برنامه‌های موبایل
- طراحی و پیاده سازی نتورک
- نصب کامره‌های امنیتی
- بازاریابی از طریق شبکه‌های اجتماعی
- گرافیک دیجیتال (لوگو، بروشور، ویزیت کارت...)
- سنو (بالا بردن رتبه سایت در صفحه اول گوگل)



+93777690909

info@bartartech.com

+93787935900

www.bartartech.com

کوته سنگی، کولابی دواخانه، کابل افغانستان

آشپزخانه مادر



تهیه غذاهای با کیفیت با نازل ترین قیمت
برای محافل رسمی و شخصی

آشپزخانه مادر یکی از مدرن ترین و پیشرفته ترین آشپزخانه‌های پایتخت است که افتخار دارد برای اولین بار در افغانستان با ویژگی‌های منحصر به خودش به فعالیت آغاز نموده است. آشپزخانه مادر افتخار دارد که بهترین و باکیفیت‌ترین غذاهای داخلی و خارجی را با مجرب ترین آشپزها برای محافل رسمی و شخصی، مهمانی‌ها و دعوت‌ها، ورکشاپ‌ها و سمینارها با انتقال رایگان به اسرع وقت با نازل ترین قیمت در خدمت مشتریان عزیز قرار دارد. ما در تلاش هستیم تا با ارائه خدمات صادقانه و متفاوت از دیگران اعتبار و رضایت مشتریان محترم‌مان را کسب کنیم و باورمندیم که گنجی با ارزش‌تر از رضایت و خدمت صادقانه برای همشهریان ما وجود ندارد.

شماره‌های تماس: ۰۷۷۰۶۷۶۴۶۵ - ۰۷۰۷۱۳۱۳۲۶

آدرس: سرک اول کارته چهار، کوچه لیسه عالی رابعه بلخی

شفاخانه آینه صحت

تخفیف ویژه
۲۸۰۰۰ افغانی

کاشت مو طبیعی به روش FUE

کاشت مو یکی از تداوی‌های عمده و اساسی برای طاسی سر است. در این تداوی موها از ساحات عقب سر یعنی قسمت‌هایی که موها قوی‌تر هستند و مساعد به ریزش نیستند گرفته شده و به قسمت جلو سر یعنی جاهای خالی انتقال داده می‌شود. قبلاً هموطنان ما برای اجرای این عملیه مجبور به سفر به خارج از کشور بودند اما فعلاً این عملیه در داخل کشور با مصارف کمتر قابل اجرا است. تیم مرکز جلدی و زیبایی شفاخانه آینه صحت با سرپرستی داکتر پامیرحسین صالحی، داکتر میوند حبیب و داکتر وحیدالله عاشر، با در نظر داشت شرایط اقتصادی هموطنان ما کاشت مو را با کیفیت عالی و تخفیف ویژه انجام می‌دهد.

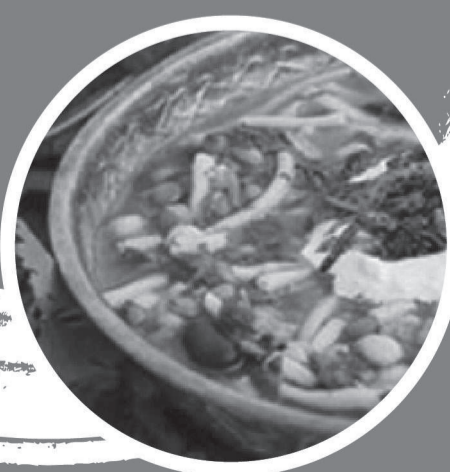
آدرس: بین چهارراهی پروان دوم و گل سرخ، شفاخانه آینه صحت

شماره تماس: ۰۷۸۱۲۳۵۰۴۰

آشردلیذیر

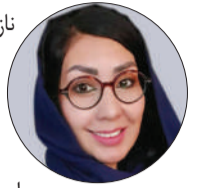
یک بار امتحان کنید
بار بار نوش جان

آدرس: جاده بابہ مزاری، مهتاب قلعه، روبروی شفاخانه محمدعلی جناح، جوار دانشگاه رابعه بلخی
شماره تماس: ۰۷۷۵۲۰۷۳۶۸



قصه یک عکس واکنش برانگیز؛

چرا نازیلا سند فراغتش را به عادلانه تقدیم کرد؟



آسیه حمزه‌ای

نازیلا تازه وارد دانشگاه جورج تاون واشنگتن دی‌سی شده بود، تقریباً سه سال و شش ماه پیش. خبر آمد که عادلانه در حادثه ترافیکی جان باخته است. نازیلا هر روز که وارد صنف می‌شد، سوگوار بود. تمامی این سه‌ونیم سال عزادار بود و چهره معصوم خواهر بزرگ‌ترش را در لابه‌لای صفحات کتاب‌هایش می‌دید. روزی که نازیلا فارغ‌التحصیل شد، در لوحه‌ای نوشت: «سند فراغتم را تقدیم می‌کنم به یگانه خواهرم، او که غیرت مردانه نگذاشت به مکتب برود».

عکس فارغ‌التحصیلی او در مدت کوتاهی در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست شد. همه از نازیلا می‌گفتند. دختر سرشناسی از هرات که سالیان سال برای حقوق زنان کار کرد. کسی که خودش از خانواده سنتی است؛ خانواده‌ای که به گفته خودش وقتی دختر به دنیا می‌آید، همان زمان او را به نام پسری نامزد می‌کنند. اگر خیلی خوش چانس باشد، نامزدی و ازدواج می‌ماند برای ۱۳ ساله‌گی؛ خانواده‌ای که در آن دختر نباید درس بخواند، نباید!

تلفنی حرف می‌زنیم. به تعداد بغض‌هایی که می‌کند، دل من هم فرو می‌ریزد. وقتی نام عادلانه را می‌گیرد، پشتش یک دنیا حرف‌های ناگفته خفته است، یک عالم حسرت، چیزی شبیه رویای دست‌نیافته. می‌گوید: «خیلی جوان بود که رفت، ۳۸ ساله با پنج فرزند. آرزوی درس خواندن را با خود به زیر خاک برد. مردان قبیله باعث شدند. غیرت آن‌ها نگذاشت عادلانه درس بخواند». هم‌زمان با جنگ‌های داخلی، امکان تداوم زنده‌گی برای‌شان دشوار است. وضعیت هرات هم خوب نیست. به ایران مهاجرت می‌کنند، به تهران. سال‌ها می‌گذرد، اما فضای خانواده‌گی همان است، فرهنگ قبیله. نازیلا به دنیا می‌آید و پیش از او عادلانه تنها خواهرش. خانواده هفت‌نفره با سه برادر و دو خواهر که خیلی زود به سوگ پدر می‌نشینند. نازیلا دوساله بود که پدرش را از دست داد. مادرش در اوج جوانی و در ۲۸ ساله‌گی همسرش را از دست داد. این خوب نبود، چون فرهنگ قبیله سایه خود را سنگین‌تر روی آن‌ها می‌انداخت.

فضای قومی و قبیله‌ای آن‌ها به گونه‌ای بود که تعلیم برای دختران فقط به اندازه قرآن خواندن، نوشتن و خواندن ابتدایی کفایت می‌کرد. ازدواج دخترها در زمان تولد آن‌ها تصمیم گرفته می‌شد. خوش‌بخت‌ترین حالت برای یک دختر این بود که در زمان تولد نامزد کسی

نشود و در ۱۳ ساله‌گی با تصمیم متنفذان و بزرگان قوم ازدواج کند. عادلانه خلاف نازیلا قربانی این سنت و سیستم مردسالار شد. گفتند باید ازدواج کند، آن هم با یکی از اعضای فامیل. بیرون فرستادن دختر ننگ شمرده می‌شد. با وجود این‌که در تهران زنده‌گی می‌کردند، اما تغییری در رفتار و فرهنگ خانواده نیامده بود. حتی کوچک‌ترین انعطافی نسبت به تعلیم دختران ایجاد نشد.

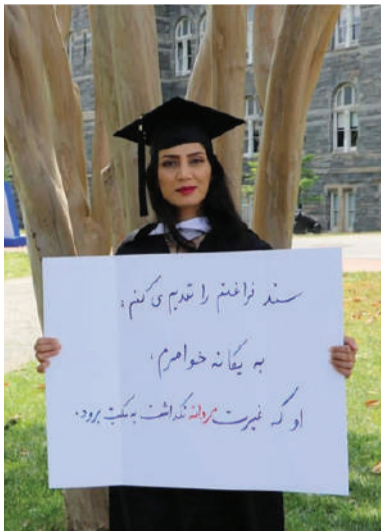
عادلانه در ۱۳ ساله‌گی اولین کودکش به دنیا آمد. هیچ‌گاه به او اجازه رفتن به مکتب داده نشد. مفکوره این بود که اگر عادلانه به مکتب برود، به غیرت مردان قوم و قبیله لطمه وارد می‌شود. او تنها نبود، در قوم دختران زیادی چون عادلانه قربانی شدند. کاکاهای نازیلا و عادلانه همیشه با تاکید می‌گفتند دختر خوب دختری است که در وقت خندیدن دندان‌هایش نمایان نباشد، همیشه پیرو و مطیع باشد، چشم بگوید و وقتی مردی حرف می‌زند جز تایید واکنش دیگری نشان ندهد. حق کار، حق تحصیل و حق انتخاب برای دختران چیزی مغایر با عرف قبیله بود.

نازیلا می‌گوید: «عادلانه همیشه به من می‌گفت درس بخوان، تو بخوان، مثل من نشو... عادلانه عاشق کتاب بود (بغضش می‌ترسد)».

رفتن نازیلا به مکتب قانون‌شکنی بود؛ انقلابی که نباید راه انداخته می‌شد. برای هر روز مکتبش می‌جنگید. هر سال که خلاص می‌شد، آماده‌گی می‌گرفت که در سال نو تعلیمی چه کند. حتی گاهی کار به جایی می‌رسید که او را جزو اعضای خانواده حساب نمی‌کردند. لت‌وکوب می‌شد. روزی به مکتب می‌رفت با دست شکسته و روزی دیگر با چشم‌هایی متورم و صورتی کبود.

مکتب فقط ۱۰۰ قدم با خانه آن‌ها فاصله داشت، این یک چانس بود. بازم رضایت نمی‌دادند. مادر نازیلا می‌گفت: «مه نمی‌توانم کنارت مبارزه کنم. از پس مردان قوم بر نمی‌آیم». نازیلا پیش مادر کلانش می‌رفت و او را واسطه می‌کرد. ابتداییه را با همین شرایط به اتمام رساند. وقتی به صنف شش رسید، مردان قوم همه جمع شدند. نازیلا پشت دروازه اتاق می‌نشید. می‌گفتند نازیلا خواندن و نوشتن یاد گرفته، تفریق و جمع را هم می‌فهمد، همین قدر کافی است، وقت ازدواج است.

نازیلا می‌گوید: «دستان کودکانه‌ام می‌لرزید. هنوز هم وقتی فکر می‌کنم، می‌لرزم. همان ترس و واهمه در وجودم ماند. مبارزه در سن کودکی سخت است. عادلانه خودش درس نخواند، اما مرا حمایت می‌کرد؛ چون خودش آرزوی درس خواندن داشت. وقتی کلان‌تر شدم،



به عادلانه خواندن و نوشتن یاد می‌دادم، کاملاً مخفیانه و به دور از چشم مردها. عادلانه یاد گرفته بود. می‌گفت که نازیلا چیزایی که در این کتاب‌ها است، از واقعیت زنده‌گی من خیلی زیباتر است».

حمایت‌های عادلانه باعث شد که جسارت نازیلا بیشتر شود. در همان دوران کودکی، به این نتیجه رسیده بود که اگر درس بخواند، مجبور نیست زود ازدواج کند؛ اگر درس بخواند، مجبور نیست با ۲۵ نفر زنده‌گی کند و فقط نقش آشپز و خدمت‌کار را داشته باشد. فهمیده بود اگر درس بخواند، می‌تواند صدای خود را بلند کند.

صنف هفتم را هم به سختی سپری کرد و صنف هشت شد. نازیلا زیر کله یک‌یک زنان می‌رفت و زاری و گریه می‌کرد تا واسطه‌گری کنند و مردان قوم اجازه بدهند صنف هشت را بخواند. اجازه نمی‌دادند. اولین روز صنف هشتم مکتب بود، مخفیانه راجستر کرده بود. وقتی او از مکتب برگشت، برادرش روی زینه‌های حویلی نشست. با عصبانیت و تهدید به نازیلا گفت از همان نقطه‌ای که ایستاده‌ای، بکس مکتب و کتاب‌هایت را کنار بگذار و برای همیشه درس را فراموش کن. آماده شو برای ازدواج. اما نازیلا تسلیم نشد. فردای آن روز به مکتب رفت. مادرش فریاد می‌زد که نرو، من نمی‌توانم در این مبارزه کنار تو بایستم؛ اما نازیلا با وجود این‌که می‌لرزید و ترس از مردان خانواده داشت، به مکتب رفت. در آن شرایط مدارا و درک بی‌مفهوم‌ترین واژه‌ها بود. برای بازماندن نازیلا از درس و مکتب، برادران و کاکاهایش از هیچ خشونت‌ی دریغ نکردند. یک روز با دست شکسته به

مکتب رفت و روزی با چشم‌های متورم و صورت کبود. هر روز همین حالت بود، اما او باز هم درس می‌خواند. امتحانات پایان سال بود. روی حویلی آتش شعله می‌کشید، گویا چیزی آتش گرفته بود. نازیلا وقتی نزدیک‌تر شد، برادرش را دست به کمر دید. با غرور و افتخار ایستاده و به چشم‌های نازیلا نگاه می‌کرد. آن چه می‌سوخت، کتاب‌ها و کتابچه‌های نازیلا بود. آن شب نازیلا نخوابید و تا صبح با یونیفورم مکتب کنار خاکسترهای به جا مانده از کتاب‌هایش نشست و گریست. او از خودش نفرت داشت، از زنان قوم نیز. این سوال را از خود می‌پرسید که چرا در برابر تصمیم مردانه فقط از زنان دو چشم پر از اشک می‌ماند؛ آن شب شوق تحصیل در او شدت گرفت.

فردای آن روز بدون هیچ کتاب و چپتر به جلسه امتحان رفت. تا صنف دوازدهم همین وضعیت بود. خودش می‌گوید: «نگویم بهتر است که چه کشیدم در آن روزها و سال‌ها... شاید دردش در واژه‌ها ننگ‌جدا». بعد از آن در ایران کانکور داد. آن زمان عادلانه خواهرش چند طفل داشت. خانواده منتظر نتیجه کانکور او نشدند، برگشتند به هرات. بعدها خبردار شد که در کانکور ایران کامیاب شده است. در هرات مخفیانه کانکور داد، با علم بر این‌که به او اجازه دانشگاه رفتن نمی‌دهند. شرایط اقتصادی دشوار شد. نازیلا یک‌تنه سال‌ها مبارزه کرد، برای حق درس، برای حق کار، برای حق انتخاب. او از خانواده و قوم طرد شد، اما برای آینده‌اش در مقابل همه ایستاد. درد درس نخواندن و ظلمی که به عادلانه و دختران قوم شده بود، نازیلا را ترغیب کرد تا برای زنان کار کند. با موسسات مختلف شروع به همکاری کرد. به ۲۷ ولایت افغانستان سفر کرد و حرف‌های‌شان را شنید. تلاش کرد تا زمینه تعلیم برای زنان را فراهم کند. می‌گوید: «هر وقت کار می‌کردم یا پای صحبت‌های زنی و دختری می‌نشستم، یاد آن شب می‌افتادم که با کالای مکتب کنار کتابچه‌های سوخته تا صبح گریه می‌کردم».

تلاش‌هایش به گونه‌ای رقم خورد که به امریکا برای تحصیل رفت. روزهایی که درس را شروع کرد، خبر رسید که عادلانه خواهرش فوت کرده است. عادلانه که خود هیچ وقت نتوانست درس بخواند، بزرگ‌ترین حامی او بود؛ اما حالا وقتی نازیلا گام مهمی برداشته، عادلانه پر کشید. نازیلا تمامی روزهای تحصیل سوگوار بود. برای همین، روز فارغ‌التحصیلی‌اش در لوحه‌ای نوشت که سندش را به خواهرش تقدیم می‌کند.

غم سنگین نهفته در پس صدای نازیلا، بزرگ‌تر از فقدان عادلانه است. او حسرتی بزرگ به دل دارد، از خواهری که با دنیایی از آرزوهای دست‌نیافته از این دنیا رفت. نازیلا می‌گوید: «ای کاش در روز فراغتم زنده می‌بود، ای کاش عادلانه در کنار من می‌بود. کاش خواهر معصوم من می‌توانست درس بخواند. عادلانه وقتی خواندن را از من یاد گرفت، می‌گفت چیزهایی که در این کتاب‌ها است، از زنده‌گی من زیباتر است».

گریزناپذیری کرونا و شرایط ناهنجار؛

بی‌توجهی مردم به نکات صحی و کمبود امکانات درمانی، باعث نگرانی است

◆ بکه جامعه مدنی و حقوق بشر

با وجود خطر گریزناپذیر ویروس کرونا و افزایش آمار مرگ‌ومیر ناشی از آن در افغانستان، مردم در برخی نقاط کشور هنوز هم نکات صحی برای پیش‌گیری از ابتلا به این ویروس را رعایت نمی‌کنند. نتایج نظارت شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر از مراکز تطبیق واکسین در ولایات مختلف نشان می‌دهد که با وجود بلند رفتن سطح آگاهی مردم در مورد اهمیت واکسین کرونا و افزایش آمار متقاضیان تطبیق آن، نکات صحی، به‌ویژه هنگام مراجعه برای دریافت واکسین توسط مردم در برخی نقاط کشور در نظر گرفته نمی‌شود و این موضوع نگرانی از افزایش آمار مبتلایان را بیشتر می‌کند. بر اساس گزارش هماهنگ‌کننده شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر در ولایت هرات، بسیاری از نکات صحی در برخی از شفاخانه‌های دولتی و خصوصی این ولایت رعایت نمی‌شود و این در حالی است که شفاخانه‌ها، مکان‌هایی هستند که خطر انتشار ویروس در آن‌ها بسیار زیاد است.

هماهنگ‌کننده شبکه در گزارش خود از نظارت بر چند مرکز صحی در این ولایت می‌گوید: «نظارت از محیط داخل شفاخانه کووید-۱۹ دشوار است، اما بر اساس مشاهدات از دیگر مراکز صحی، انبوهی مراجعه‌کنندگان، نبود فضای کافی برای حضور آنان و رعایت نشدن فاصله اجتماعی از مواردی است که نشان می‌دهد نکات صحی

توسط شماری از مردم رعایت نمی‌شود. برای مثال در بخش ورودی شفاخانه حوزوی هرات، برای شستن دست‌ها، آب و صابون گذاشته شده است، اما زمانی که یک جمعیت زیاد یکجا وارد شفاخانه می‌شوند و مجبورند برای شستن دستان‌شان، با فاصله نزدیکی در کنار هم منتظر بمانند، نگرانی‌هایی از انتشار ویروس به وجود می‌آید». وی می‌افزاید، بخش قابل توجهی از کارمندان صحی از ماسک استفاده نمی‌کنند و این موضوع در تعدادی از مراکز تطبیق واکسین نیز مشاهده شده است. این نگرانی‌ها در حالی ابراز می‌شود که بر اساس آمار، در هفته‌های اخیر میزان مبتلایان به ویروس کرونا در ولایت هرات افزایش یافته است. بر اساس آخرین آمار نشر شده از سوی ریاست صحت عامه ولایت هرات، در حال حاضر بیش از ۸۰ تن در شفاخانه کووید-۱۹ این ولایت بستر هستند و وضعیت صحی ۳۶ تن‌شان وخیم گزارش شده است.

مشکلات موجود در روند مبارزه با ویروس کرونا در چند ولایت دیگر به شرح زیر است:

لوگر

یک بخش از شفاخانه «کنجک» ولایت لوگر که در اصل مرکز درمان معتادان است، بنا بر ضرورت و بر اساس قرارداد موسسه CAF با وزارت صحت عامه برای درمان بیماران کرونا در نظر گرفته شده که دارای ۱۷ کارمند است. به گزارش هماهنگ‌کننده شبکه جامعه مدنی و

به صورت رسمی ثبت نمی‌شود، شمار دقیق آن مشخص نیست.

نیمروز

به گزارش هماهنگ‌کننده شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر در ولایت نیمروز، شماری از شهروندان در این ولایت مدعی‌اند که به دلیل آن‌چه از سوی مسئولان، تمام‌شدن دور اول واکسین کرونا عنوان شده، به درخواست آنان برای دریافت این واکسین جواب رد داده شده است. این در حالی است که نتیجه نظارت هماهنگ‌کننده شبکه می‌رساند که واکسین‌های دور اول، به افرادی که نیاز به دریافت دور دوم آن دارند، تزریق می‌شود. گفتنی است که نیمروز از جمله ولایات هم‌مرز با ایران است و آمار بلند ابتلا به ویروس کرونا و مرگ و میر ناشی از آن در این کشور و از سویی بازگشت مهاجران ساکن در آن به افغانستان، نگرانی‌ها در رابطه با انتشار بیشتر ویروس را افزایش داده است.

تخار

مسئولان شفاخانه کووید-۱۹ در تخار از افزایش مبتلایان به ویروس کرونا در این ولایت ابراز نگرانی کرده‌اند. بر اساس گزارش هماهنگ‌کننده شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر و به نقل از مسئولان این شفاخانه، در چند روز گذشته بیش از ۸۰ تن به ویروس کرونا مبتلا شده‌اند و آمار مجموعی مبتلایان در این ولایت به بیش از دو هزار و ۴۰۰ تن می‌رسد.

بی‌توجهی به نکات صحی، کمبود امکانات مورد نیاز در مراکز درمانی و افزایش نگرانی از انتشار بیشتر ویروس کرونا در حالی عنوان می‌شود که نزدیک به یک هفته پیش (پنجم جوزا) بر اساس اعلامیه وزارت صحت عامه کشور، همه مراکز آموزشی در ۱۶ ولایت کشور از جمله کابل، نیمروز و لوگر برای پیش‌گیری از انتشار بیشتر ویروس کرونا، برای مدت دو هفته تعطیل شد.



محمد حسین نیکخواه
بخش دوم

شب‌هنگام به بخارا رسیدیم. ولی محمد حدید، از خبرنگاران سابقه‌دار هرات، که تجربه چندین سفر به اوزبیکستان دارد، یکی از دوستانش که در شهر تاشکنت زنده‌گی می‌کرد را معرفی کرده بود تا در جریان سفر اگر

با مشکلی برخوردیم، از او کمک بگیریم. در مسیر رسیدن به شهر بخارا، چند بار به آقای دولتی تماس گرفتیم و او ما را تا رسیدن به بخارا راهنمایی کرد.

انجنیر دولتی، در بخارا برای ما از قبل هتلی را رزرو کرده بود. وقتی خسته و مانده به بخارا رسیدیم، مستقیم به هتل رفتیم تا خسته‌گی چندین ساعت پیمودن راه را از تن به در کنیم. با حسین‌الله مستنصر، از خبرنگاران هرات، که با من هم‌سفر بود، هماهنگ کردم که یک ساعت استراحت کنیم و سپس برای خوردن غذای شام از هتل بیرون شویم.

هتل ما در منطقه «لب حوض» از مناطق تاریخی بخارا موقعیت داشت. با افزایش چشم‌گیر سفر گردشگران خارجی طی یکی دو سال اخیر به اوزبیکستان، بیش‌تر خانه‌های قدیمی این منطقه تبدیل به هتل شده است. در هر کوچه ۱۰ تا ۲۰ هتل وجود دارد و در حاشیه خیابان هم هتل‌های مدرن برای پذیرایی گردشگران خارجی ساخته شده است.

برای تماشای بخارا لحظه‌شماری می‌کردم. ساعت گویی موبایلم به گونه خودکار با ساعت کشور اوزبیکستان تنظیم شده بود. ساعت رسمی این کشور نیم ساعت از افغانستان جلوتر است. ۱۰:۳۰ شب به وقت اوزبیکستان و ۱۰:۰۰ به وقت افغانستان، از هتل خارج شدیم.

در همان دقایق ابتدایی گردش در شهر بخارا با دیدن آبدات تاریخی که به گونه بسیار هنرمندانه نورپردازی شده بود و زیبایی آن چندین برابر گشته بود، دل‌بسته این شهر شدم. حس عجیبی داشتم و تصور می‌کردم سال‌ها در این شهر زنده‌گی کرده‌ام و اصلاً احساس غریبی نمی‌کردم.

گردشگران کشورهای گوناگون، از روسیه گرفته تا آلمان، ایتالیا، فرانسه، بریتانیا، ترکیه، جاپان، کوریا، هند و پاکستان، در اطراف بناهای تاریخی بخارا قدم می‌زدند و معلوم بود از شب‌های دل‌انگیز آن لذت می‌بردند. حضور گردشگران خارجی سبب رونق کسب‌وکار در بخارا شده و زمینه کار برای صدها نفر در اطراف بناهای تاریخی فراهم شده است. در حالی که محو زیبایی شب‌های بخارا شده بودم،

سفرنامه اوزبیکستان؛

شب‌های دل‌انگیز بخارا

گردشگران کشورهای گوناگون، از روسیه گرفته تا آلمان، ایتالیا، فرانسه، بریتانیا، ترکیه، جاپان، کوریا، هند و پاکستان، در اطراف بناهای تاریخی بخارا قدم می‌زدند و معلوم بود از شب‌های دل‌انگیز آن لذت می‌بردند. حضور گردشگران خارجی سبب رونق کسب‌وکار در بخارا شده و زمینه کار برای صدها نفر در اطراف بناهای تاریخی فراهم شده است.



به این فکر می‌کردم که چرا ما در هرات، شهری که پسوند باستانی را با خود یدک می‌کشد و به علم و فرهنگ شهره است، نتوانستیم از وجود صدها آبدۀ تاریخی برای جذب گردشگران خارجی و ایجاد فرصت‌های شغلی استفاده کنیم.

در ذهنم تصور می‌کردم که اگر این‌همه گردشگر خارجی در مصالای تاریخی هرات قدم می‌زدند و شکوه مناره‌هایش را به تماشا می‌نشستند، یا از فراز برج‌های ارگ باستانی نظاره‌گر زیبایی شب می‌شدند، یا در مسجد جامع بزرگ، نقش‌ونگار کاشی‌های فیروزه‌ای چشم‌هایشان را به خود خیره می‌کرد و از تماشای خشت‌های طلایی و کاشی‌های رنگارنگ آرامگاه پیر هرات لذت می‌بردند، چه‌قدر خوب می‌شد. برای من که از نگین خراسان‌زمین به تماشای بخارای کهن رفته بودم، دیدن بناهای تاریخی که سبب جذب هزاران گردشگر خارجی شده بود، با حسرتی بزرگ همراه بود. حالا درک می‌کردم که صنعت گردشگری چه صنعت سودآوری است و می‌تواند زنده‌گی مردم

یک کشور را زیر و رو کند؛ دقیقاً همان اتفاقی که برای اوزبیکستان افتاده و این کشور در آینده برای جذب گردشگران برنامه‌های بزرگ‌تری روی دست دارد.

آرامش عجیبی بر شب‌های بخارا حاکم است. زیبایی بناهای تاریخی، چراغ‌های رنگارنگ، نسیم سرد بهاری، شور و شوق گردشگران و... همه این‌ها سبب شده تا دل‌کنندگان از تماشای شب‌های بخارا آسان نباشد. مهربانی و مهمان‌نوازی مردمش هم که جای خود را دارد و هرچه از خوبی آن‌ها بگویم، کم است.

غرق تماشای بخارا بودم و اصلاً گذر زمان را حس نمی‌کردم. در کوچه‌های بخارا قدم می‌زدم و از حال و هوای این شهر تاریخی لذت می‌بردم. حسین‌الله گفت: «حسین‌گرسنه نشدی؟ ساعت نزدیک ۱۲:۰۰ شب است!» تازه فهمیدم که چند ساعت می‌شود غذا نخورده‌ام و یک‌ونیم ساعت پیش برای خوردن غذا از هتل خارج شده‌ام.

در میان ده‌ها هتل و رستوران چشم‌نواز، یک کافه - رستوران که با چراغ‌های رنگارنگ مزین شده بود

و عطر گل‌ها و سبزه‌های باغچه نسبتاً کوچکش که چندین میز غذاخوری در آن جای گرفته بود بیش‌تر از بوی غذا به مشام می‌رسید، توجهم را به خود جلب کرد.

با تجربه‌ای که قبلاً از سفر به ایران داشتم، حس کردم مالک رستوران از گردشگران خارجی ممکن است پول بیش‌تری بگیرد. قبلاً این اتفاق بارها در ایران برایم پیش آمده بود؛ از دکان‌دار گرفته تا تکسی‌ران و رستوران‌دار و... وقتی متوجه می‌شدند فردی با محیط‌آشنایی ندارد، چندین برابر بیش‌تر از او پول می‌گرفتند.

در فضای عالی رستوران غذا خوردیم و گارسون صورت حساب غذا را روی میز گذاشت. نزد مالک رستوران رفتم و برایش توضیح دادم که از افغانستان آمده‌ام و اگر از خارجی‌ها پول بیش‌تری می‌گیرد، با من چنین رویه‌ای نکند. با خوش‌رویی و محترمانه توضیح داد که پول غذاها مشخص است و آن‌ها اصلاً تفاوتی میان مردم اوزبیکستان و خارجی‌ها در گرفتن پول قابل نمی‌شوند.

قناعت کردم که واقعاً این‌جا خبری از اضافه‌ستانی و به گفته مردم کابل «چم‌بازی و د جان زدن نیست»، قیمت‌ها مشخص است و کسی پول بیش‌تری نمی‌گیرد. مردم بومی شهر تمام تلاش خود را به خرج می‌دهند تا گردشگران خارجی با خاطره‌ای خوش از بخارا، به کشورهایشان برگردند.

پول غذا را پرداخت کردم و در حال خارج شدن از رستوران بودم که سعید، یکی از گارسون‌هایی که با او آشنا شده بودم، صدایم کرد و مبلغ ۵۰ هزار «شوم» اوزبیکستان، حدود پنج دالر برایم داد و گفت: «این مقدار پول را مالک رستوران از جیب شخصی‌اش به شما کم کرد». دوباره نزد مالک رستوران رفتم و از او سپاس‌گزاری کردم.

برخورد شایسته مالک و کارمندان رستوران سبب شد که چند شب دیگر هم به همان رستوران بروم و از افغانستان و آبدات تاریخی هرات قصه کنم. عکس‌های هرات را در موبایلم به کارمندان رستوران نشان دادم و برای جبران مهربانی مالک رستوران، یک بسته کوچک زعفران را که از هرات با خود برده بودم، برایش هدیه دادم.

وقتی ساعت به حدود یک بامداد رسید، رستوران‌ها، دکان‌ها و مراکز گردشگری شهر کم‌کم بسته شد و سکوت و آرامش شبانگاهی بر بخارا حاکم شد. به هتل بازگشتم تا خوابم و با آغاز روشنایی صبح، از بخش‌های دیگر شهر دیدن کنم. ادامه دارد...

کرونا در هند؛

دانشجویان افغان در چه وضعیت‌اند؟



امیدالله سعید

دانشجوی مقطع ماستری در دانشگاه عثمانیه حیدرآباد

موج دوم کرونا در هند از اواسط ماه مارچ آغاز شد و به سرعت به همه‌گیری سراسری رسید. در ماه‌های اپریل و می الی اکنون سیستم درمانی هند تحت فشار سنگین این موج کرونا قرار دارد. این کشور بیش‌ترین آمار روزانه ابتلا به کرونا و مرگ‌ومیر ناشی از آن را از زمان همه‌گیری این ویروس در جهان ثبت کرده است، طوری که رقم روزانه مبتلایان از چهارصد هزار و رقم مرگ‌ومیر از چهار هزار نفر گذشت. به این ترتیب هند بعد از امریکا بیش‌ترین تعداد مبتلایان و بعد از برازیل بیش‌ترین تعداد جان‌باخته‌گان در اثر کرونا در جهان را دارد. بخش مراقبت‌های ویژه شفاخانه‌ها در اکثر نقاط این کشور مملو از بیماران است و کمبود تخت و آکسیجن از دلایل افزایش مرگ‌ومیر عنوان شده است. با وجود این، گفته می‌شود که به دلیل کمبود آزمایش کرونا و ثبت نشدن موارد ابتلا و مرگ‌ومیر ناشی از این ویروس در نقاط دوردست، رقم واقعی مبتلایان و تلفات بیش‌تر از آن‌چه نهادهای رسمی اعلام می‌کنند، است.

وضعیت دانشجویان افغانستان در هند

هند در نزدیکی افغانستان به دلیل کیفیت بهتر آموزش و کم‌هزینه بودن تحصیل و زنده‌گی، مقصد هزاران دانشجوی افغانستانی است که با هزینه شخصی یا توسط بورسیه‌هایی که سالانه از طرف دولت هند داده می‌شود، به این کشور می‌آیند. براساس گفته‌های مقام‌های دولت افغانستان، حدود شانزده هزار دانشجوی افغان در مقاطع مختلف در هند مصروف تحصیل هستند؛ اما این دانشجویان با وجود مزایای زیادی که در سال‌های دانشجویی‌شان در هند از آن برخوردارند، با مشکلات متعددی نیز مواجه می‌شوند که محدودیت‌های ناشی از ویروس کرونا در دو سال اخیر به این مشکلات بیش از پیش افزوده است.

از آغاز موج دوم ویروس کرونا بیش‌ترین ایالت‌ها و شهرهای هند در قرنطین کامل به سر می‌برند.

مکاتب، دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی یا تعطیل‌اند و یا برنامه‌های آموزشی‌شان را به شکل مجازی و آنلاین پیش می‌برند. این وضعیت زنده‌گی عادی تمام مردم را مختل کرده است. در این میان دانشجویان افغانستانی در اکثر شهرها خصوصاً در شهر حیدرآباد که صاحب این قلم خود نیز در این شهر حضور دارد، با مشکلات متعددی روبرو هستند. مشکلات مالی، گران شدن مواد غذایی و عدم پرداخت به موقع پول از طرف دولت هند، بزرگ‌ترین مشکلاتی است که دانشجویان با آن مواجه‌اند. به عنوان مثال در ماه مارچ اسلاد حدود پنجاه دانشجو که از طریق بورسیه «آی‌سی‌سی‌آر» به دانشگاه عثمانیه شهر حیدرآباد راه یافته بودند، به این شهر رسیدند. اکنون که بیش از دوونیم ماه از حضور این دانشجویان در این شهر می‌گذرد، مبلغ پولی که از جانب دولت هند به منظور گذران زنده‌گی روزمره برای‌شان باید پرداخت می‌شد،



پرداخت نشده است. عدم پرداخت پول در وضعیتی که شهر در قرنطین کامل به سر می‌برد مواد غذایی گران شده، دانشجویان را با وضعیت سخت روبرو کرده است.

ده روز قبل مسوولان خوابگاه دخترانه دانشگاه عثمانیه به دانشجویانی که در این خوابگاه بودوایش دارند و تعداد زیادی از دانشجویان افغانستانی را نیز شامل می‌شوند، گفته‌اند که به دلیل گسترش شیوع ویروس کرونا تا آخر ماه می این خوابگاه را ترک کنند و در بیرون برای خود خانه و جای بودوایش تدارک ببینند. این اقدام در وضعیتی که شهر در قرنطین کامل است و تنها چهار ساعت از شش صبح الی ده صبح مردم برای بیرون شدن از خانه به منظور رفع احتیاجات روزمره و انجام کارهای ضروری‌شان اجازه دارند، بر مشکلات دانشجویان دختر افزوده است. از سویی هم مانند روز مبدا بیش‌ترین دیپلمات‌های افغانستان به شمول سفیر کشور در دهلی، این کشور را ترک کرده‌اند و در افغانستان به سر می‌برند. با وجودی که مشکلات دانشجویان یا قنصلگری افغانستان در حیدرآباد در میان گذاشته شده، اما ظاهراً تلاش‌های آنان برای رفع این مشکلات از جانب دولت هند نیز نتیجه‌ای به دنبال نداشته است.

با توجه به وضعیت کرونا در هند، شیوع عفونتی تازه به نام «قارچ سیاه» که اکثر ایالت‌های هند آن را سراسری اعلام کرده‌اند، احتمال تمدید قرنطین در ماه‌های آینده و زمزمه‌های احتمال شیوع موج سوم کرونا در این کشور، دانشجویان افغانستان از روبرو شدن با مشکلات بیش‌تر و عدم مراقبت‌های لازم بهداشتی در صورت ابتلا به کرونا نگران‌اند و از وزارت امور خارجه کشور و سفارت افغانستان در دهلی خواهان توجه جدی و همه‌جانبه به دانشجویان افغانستانی در هند هستند.

روسیه:

پیام‌های ناخوش‌آیندی پیش از دیدار پوتین و بایدن می‌رسد

کشورهای غربی از اقدامات مقام‌های روسیه علیه الکسی ناوالنی و طرفدارانش به شدت انتقاد می‌کنند. علاوه بر آن، روابط بین امریکا و روسیه به دلیل ادعای دخالت روسیه در کارزار انتخاباتی ریاست جمهوری امریکا، تیره است. این نخستین بار نیست که میان امریکا و روسیه پیام‌های ناخوش‌آیندی مبادله می‌شود. پیش از این رییس جمهور امریکا در یک گفت‌وگوی تلویزیونی همتای روس خود را یک «قاتل» دانسته بود. او تهدید کرده بود که اگر دخالت روسیه در انتخابات ریاست جمهوری امریکا صحت داشته باشد، پوتین تاوان آن را خواهد داد. پوتین هم در پاسخ گفته بود که او برای بایدن آرزوی «سلامتی» می‌کند و اضافه کرده بود که «مردم اغلب اوقات دیگران را مانند خود تصور می‌کنند»، به عبارتی «کافر همه را به چشم خود پندارد».

سرگئی ریابکوف، معاون وزیر خارجه روسیه، گفته است که کشورش آماده بحث و گفت‌وگو در مورد هر موضوعی است. روز یکشنبه، ۳۰ می، بایدن اعلام کرد که اجازه نقض حقوق بشر را به روسیه نخواهد داد. او تأکید کرد که وقتی با پوتین صحبت می‌کند، اصرار خواهد کرد که حقوق بشر در روسیه رعایت شود.

گفت‌وگو کند. قرار است حدود دو هفته دیگر بایدن در نشست کشورهای هفت کشور صنعتی موسوم به «جی ۷» در بریتانیا و نشست ناتو در بروکسل شرکت کند. رییس جمهور امریکا در ماه اپریل به پوتین پیشنهاد کرده بود که آن‌ها برای گفت‌وگو با هم، در یک کشور سوم دیدار کنند.

دو هفته مانده به نخستین دیدار جو بایدن رییس جمهور امریکا با همتای روسی اش ولادیمیر پوتین، اختلافات میان دو ابرقدرت نظامی در حال شدت گرفتن است. رسانه‌های روسیه از «پیام‌های ناخوش‌آیند» امریکا به روسیه گزارش دادند. دویچه‌وله به نقل از خبرگزاری‌های روسیه روز دوشنبه، ۳۱ ماه می (۱۰ جوزا) گزارش داد که امریکا قصد ندارد در مذاکره بایدن و پوتین در مورد همه مسایل مذاکره کند. جو بایدن، رییس جمهور امریکا و ولادیمیر پوتین، همتای روس او، قرار است روز ۱۶ جون (۲۶ جوزا) در جینوا دیدار کنند. کاخ سفید قبلاً گفته بود که در این دیدار تمام «مسایل عاجل» از جمله درگیری‌های منطقه‌ای، سلاح‌های هسته‌ای و روابط دوجانبه مورد بحث قرار خواهد گرفت؛ اما رسانه‌های روسیه اکنون نوشته‌اند که واشنگتن تمایل ندارد در مورد همه مسایل



امریکا دو میلیون بشکه نفت خام توقیف شده ایران را «فروخته است»



امریکا این محموله نفتی را ابتدا به هیوستون تگزاس برده و بیش از دو میلیون بشکه نفت خام آن را به قیمت ۱۱۰ میلیون دالر و هر بشکه حدود ۵۵ دالر فروخته است. بنا بر اعلام این دادگاه، پول فروش این محموله در ارتباط با پرونده‌های قضایی مربوط به ایران در گرو امریکا قرار گرفته است.

وزارت دادگستری امریکا پیش از این اعلام کرده بود که «پول فروش این محموله به صندوق حمایت از قربانیان تروریسم دولتی در امریکا واریز خواهد شد». دولت امریکا در سال ۲۰۱۵ و با هدف پرداخت غرامت به افرادی که قربانی گروه‌های تروریستی و یا تروریسم دولتی شده‌اند، این صندوق را تاسیس کرد. براساس گزارش‌هایی که پیش‌تر منتشر شده بود، حکم توقیف این نفت‌کش در دولت دونالد ترامپ و پیش از روی کار آمدن دولت جو بایدن صادر شده است.

در همین حال سعید خطیب‌زاده، سخنگوی وزارت خارجه ایران، دیروز در یک نشست خبری در واکنش به این خبر گفت که از این موضوع اطلاع ندارد، اما می‌داند که امریکا از زمان رییس جمهور پیشین خود به دلیل برخی قوانین نفتی از ایران خریداری نکرده است. فروش نفت ایران به امریکا پس از پیروزی انقلاب ۵۷ متوقف شد.

معامله‌گران بازار نفت شده است. اوایل دلو سال گذشته، خبرگزاری بلومبرگ به نقل از منابع مطلع گزارش داد که دولت ایالات متحده درصدد توقیف نفت‌کش «آشیلاس» با محموله حدود دو میلیون بشکه نفت در بندر فجیره امارات متحده عربی است که با پرچم لیبریا حرکت می‌کند، اما احتمال می‌رود متعلق ایران باشد. به گزارش اسناد دادگاه‌های امریکا ایران قصد فروش این محموله به چین را داشته و قرار بوده این محموله با برچسب «نفت خام سبک بصره» از عراق انتقال یابد. اسناد این دادگاه‌ها هم‌چنین نشان می‌دهد که دولت

اسناد دادگاه و آمارهای دولتی امریکا نشان می‌دهد که این کشور دو میلیون بشکه نفت خام توقیف شده ایران در سواحل امارات متحده عربی را پس از انتقال به امریکا فروخته است. به گزارش رادیو فردا و به نقل از خبرگزاری آسوشیتدپرس روز دوشنبه، ۱۰ جوزا، بررسی ارقام منتشر شده در آژانس اطلاعات انرژی ایالات متحده در آخر هفته گذشته از فروش بیش از یک میلیون بشکه نفت خام متعلق به ایران از سوی امریکا در ماه مارچ خبر می‌دهد. این گزارش با توجه به این‌که ایران سال‌ها است تحت تحریم‌های امریکا قرار دارد، موجب تعجب

رشد پایین جمعیت؛

زوج‌های چینی می‌توانند سه فرزند داشته باشند



چین اعلام کرد که از این پس به هر زوج اجازه می‌دهد تا سه فرزند داشته باشند و به این ترتیب به محدودیت داشتن دو فرزند در هر خانواده پس از دهه‌ها در این کشور پایان داد.

به گزارش بی‌بی‌سی فارسی و به نقل از رسانه دولتی شین‌هوا، این تغییر در قوانین محدودیت فرزند در جلسه دفتر سیاسی مرکزی حزب کمونیست چین به تأیید شد. جین‌پینگ، رییس جمهور چین، رسیده است. این تغییر در قوانین، پس از بررسی نتایج سرشماری اخیر چین، که ماه گذشته منتشر شد، اتفاق افتاد. نتیجه سرشماری نشان می‌دهد که جمعیت این کشور با کم‌ترین میزان رشد، به نسبت دهه‌های قبل روبه‌رو است.

پس از اعلام نتایج سرشماری، دولت مرکزی چین تحت فشار بود تا برای تشویق بیشتر زوج‌ها برای داشتن فرزند و جلوگیری از کاهش جمعیت، اقداماتی را انجام دهد. طبق سرشماری ۱۰ ساله چین، سال گذشته ۱۲ میلیون نوزاد در این کشور متولد شده‌اند که نشان‌دهنده کاهش ۱۸ درصدی نسبت به ۲۰۱۹ است. این پایین‌ترین میزان رشد جمعیت در چین از سال ۱۹۵۲ است. پس از ۲۰۱۶ که جمعیت چین روندی صعودی داشت، این چهارمین سال پیاپی است که این کشور با کاهش جمعیت روبه‌رو بوده است. چین در ۲۰۱۶ بعد از ۳۰ سال به سیاست تک‌فرزندی خاتمه داد.

انتظار زیادی می‌رفت که پس از انتشار نتایج سرشماری، چین سخت‌گیری‌ها در قوانین مربوط به فرزندآوری را تغییر دهد.

چین از سال ۱۹۷۹ برای کنترل جمعیتش، سیاست تک‌فرزندی را به اجرا گذاشته بود، اما در پی کند شدن رشد جمعیت در سال ۲۰۱۶، این قانون را به داشتن حداکثر دو فرزند افزایش داد.

کسانی که از این قانون تبعیت نمی‌کردند، جریمه یا از کار اخراج و در مواردی هم مجبور به سقط جنین می‌شدند.

کشورهای عضو سازمان جهانی بهداشت با تقویت این نهاد موافقت کردند

نشست کشورهای عضو این نهاد را که با تصویب قطع‌نامه پیشنهادی همراه بود، یکی از مهم‌ترین اجلاس در تاریخ این سازمان خواند. در جریان هفتادوچهارمین نشست مجمع عمومی بهداشت، گزارش‌های مختلفی از سوی کارشناسان مستقل درباره ناکارآمدی سازمان جهانی بهداشت و کشورهای عضو در جریان مقابله با همه‌گیری کرونا ارایه شد. در یکی از این گزارش‌ها آمده بود که همه‌گیری «کووید-۱۹» قابل پیش‌گیری بود، اما سازمان جهانی بهداشت با تأخیر در اعلام وضعیت اضطراری در سطح جهان در مقابله با آن ناکام ماند.

در قطع‌نامه تصویب شده در نشست کشورهای عضو سازمان جهانی بهداشت تعیین کارگروهی برای تقویت این نهاد و نحوه مقابله آن با همه‌گیری‌های آینده پیش‌بینی شده است. کشورهای عضو سازمان جهانی بهداشت قرار است ماه نوامبر در یک نشست فوق‌العاده شرکت کنند.

نقش سازمان جهانی بهداشت و میزان اختیارات آن از زمان آغاز همه‌گیری بیماری «کووید-۱۹» که تاکنون جان بیش از سه میلیون و ۵۰۰ هزار نفر را گرفته، مورد توجه قرار گرفته است.

تدروس ادانوم، مدیرکل سازمان جهانی بهداشت،



اعضای سازمان جهانی بهداشت روز دوشنبه هم‌زمان با ادامه همه‌گیری ویروس کرونا در سطح جهان، با تقویت این نهاد وابسته به سازمان ملل متحد موافقت کردند.

کشورهای عضو سازمان جهانی بهداشت در قطع‌نامه خود که پس از یک هفته بحث و بررسی تصویب شد، بر نقش دولت‌ها در مقابله با بحران‌ها در حوزه بهداشت و درمان تأکید کرده‌اند. با این حال در این قطع‌نامه آمده است که سازمان جهانی بهداشت نقشی «کلیدی در رهبری» مقابله با این بحران‌ها برعهده دارد.

به گزارش یورونیوز، اعضای سازمان جهانی بهداشت هم‌چنین در قطع‌نامه خود تأکید کرده‌اند که انتظارات از این نهاد عموماً فراتر از «ظرفیت‌های کنونی» آن است. این قطع‌نامه که از سوی امریکا و اتحادیه اروپا پیشنهاد شده بود، سازوکار مشخصی برای اصلاح سازمان جهانی بهداشت مشخص نکرده است.